

کتابخانه سینما

کتاب سینما

ISSN: 1029-3345
شماره ۲۲۲، پیاپی ۶۲۸
۱۶ صفحه، ۱۰۰ تومان
www.ketabehsina.ir

صاحب اختیار: خانه کتاب ایران
مدیر مسئول: احمد حسینی جابری
ناشر: سینما تا آخر قلم، تهران
اول فجر (جم)، شماره ۹، طبقه دوم
تلفن: ۸۳۱۶۹۵۱، ۸۳۲۵۷۲۲
لیوگرافی: وچاب، ابراجاب

کتاب سینما

۱۳۸۳-۱۳۷۳

بر هیچ کس پوشیده نیست که وضعیت کتاب‌های سینمایی و بخصوص کتاب‌های تئوریک و نظری در سال‌های بعد از انقلاب دچار تحولی اساسی شد. این تحول با گذر زمان در حال زیاد شدن است و هر سال شاهد چاپ‌های ارزشمندی در عرصه سینمای اصل هستیم. البته گاهی آثارها بالا و پایین می‌روند، اما آنچه که اهمیت دارد، کمیت نیست. تعداد کتاب‌های چاپ شده در طول سال هرچند مهم است، اما ارزشگذاری کتاب، قطعاً از اهمیت بیشتری برخوردار است. در گزارشی که به پوست می‌آید، گزارشی از کتاب‌های سینمایی، از سال ۱۳۷۳ تا سال ۱۳۸۳ می‌آید. این آثار، برحسب جدولی تنظیم شده که خانه کتاب ایران در اختیار ما گذاشته است. از این نهاد بسیار سپاسگزاریم.

سکانس های کتابی



برخی افراد تا عنوان سینما می‌آید یاد فیلم‌های گیشه‌ای می‌افتند و هنوز که هنوز است برای سینما آن‌ها شایق را قائل نشده‌اند که برای بقه هنرها گمان می‌کنند اهالی سینما آنچنان اهل کتاب نیستند در صورتی که نگاهی به آثار منتشر شده از سوی اهالی سینما نشان می‌دهد که دست کم در بیست و پنج سال اخیر، بسیاری از سینماگران ما نه تنها در عرصه سینما موفق بوده‌اند که در عرصه فرهنگ کتبی هم نکته‌هایی را به فرهنگ تصویری فیلم‌هاشان افزوده‌اند. در این نوشته، به طور قطع نمی‌توانیم همه آثار منتشر شده را معرفی کنیم، چرا که معرفی همه این آثار به حاشیای بیشتر از آنچه ما در اختیار داریم، احتیاج دارد. آنچه در پی می‌آید فقط چکیده‌ای است از آثار منتشر شده از سوی اهالی هنرهنرمند و اگر احیاناً نامی از قلم افاده باشد، پیشاپیش بپوش می‌طلبم.

آثار عباس کیارستمی، مسعود کیمیایی، داریوش مهرجویی، شهید مرتضی آوینی، کیومرث پوراحمد، محمد صالح علا، داریوش مؤدیان، ایرج کریمی، محمدعلی سجادی، یکتا کریم، مرجان شیرمحمدی، ایلاخاتنی، و آهو خردمند

۸

روند رو به رشد کتاب های سینمایی

بررسی کتاب‌های سینمایی منتشر شده در ایران از ابتدا تا امروز در گفت و گو با محمد تهمی نژاد

۱۲

گفت و گو با جمال امید، مورخ سینمای ایران

تنوع تاریخی در خدمت تحلیل
جمال امید، یکی از نخستین مورخان تاریخ سینمای ایران است و از سال ۱۳۲۷ تا به امروز به صورت جدی این مقوله را دنبال می‌کند.

۶

گنجینه ای به نام موزه سینما

۱۴

وکت وگو

ابوالفضل جلیلی

فرهاد توحیدی

۱۰

۱۵

پایک احمدی

و کتاب های سینمایی اش

نشانه ها

۷

روی جلد کاغذی

گرافیک
و طرح جلد
کتاب های سینمایی

۱۱



انتشارات علمی و فرهنگی

آیین حکمرانی
محمد بن حبيب مازندرانی
حسین صدری، ۱۳۰۰۰ ریال

مفاتیح العلوم
احمد بن یوسف طبرستانی
حسین خدیوچو، ۲۶۰۰۰ ریال

مصنفات فارسی
علامه ابوالفضل سنبلی، تصحیح مایل هروی
۲۶۰۰۰ ریال

http://www.ketabgostara.com - e-mail: info@ketabgostara.com ۰۲۱-۲۶۶۰۳۳۰۰-۰۶

از غره های این شرکت در نمایشگاه بین المللی تهران دین فرماید: سال ۱۰ - سال ۲۸ ویژه کودکان و نوجوانان - سال ۲۹ ویژه نشر بین الملل



کارنامه یک دهه نشر

سینما: ۱۳۷۳ تا ۱۳۸۳

بر هیچ کس پوشیده نیست که وضعیت کتاب های سینمایی و بخصوص کتاب های تئوریک و نظری در سال های بعد از انقلاب دچار تحولی اساسی شد. این تحول با گذر زمان در حال زیادتر شدن است و هر سال شاهد چاپ های ارزشمندی در عرصه سینمای اصیل هستیم. البته گاهی آمارها بالا و پایین می روند، اما آنچه که اهمیت دارد، کمیت نیست تعداد کتاب های چاپ شده در طول سال هرچند مهم است، اما ارزشگذاری کتاب، قطعاً از اهمیت بیشتری برخوردار است. در گزارشی که به پیوست می آید، گزارشی از کتاب های سینمایی، از سال ۱۳۷۳ تا سال ۱۳۸۳ می آید. این آمار، برحسب جدولی تنظیم شده که خانه کتاب ایران در اختیار ما گذاشته است. از این نهاد بسیار سپاسگزاریم.

سال ۱۳۷۳

در سال ۱۳۷۳، مجموعاً ۱۴ عنوان کتاب سینمایی منتشر شده است. از این تعداد کتاب، ۶ عنوان تألیف و ۸ عنوان ترجمه است. در سال ۱۳۷۳، تعداد کتاب های فیلمنامه، درصدهای بیشتری را نسبت به کتاب های دیگر تشکیل می دهد. از ۱۴ عنوان کتاب، ۹ عنوان فیلمنامه، ۲ عنوان فرهنگ سینمایی و سه کتاب نظری نوشته شده است که به هر حال کتاب های فیلمنامه به علت استقبال بیشتر، از شمارگان بیشتری بهره برده اند. از دیگر نکاتی که در مورد این سال می شود به آن اشاره کرد، تجدید چاپ دو کتاب سینمایی است.

سال ۱۳۷۴

در سال ۱۳۷۴، تعداد عناوین کتاب تقریباً دو برابر می شود و از عدد ۱۴ به ۲۶ می رسد. این تغییر در بخش کتاب های نظری، تاریخ و فرهنگ خود را بیشتر نشان می دهد و نکته دیگر این که تمام کتاب های سال ۱۳۷۴ چاپ اول هستند و این یک نکته مهم محسوب می شود. از تعداد ۲۶ عنوان کتاب منتشر شده، ۱۳ عنوان فیلمنامه است، یک عنوان تاریخ سینما و دوازده عنوان کتاب نظری. به این ترتیب، نه تنها تعداد کتاب های نظری نسبت به سال ۱۳۷۳، چهار برابر شده، به تناسب کل کتاب های منتشر شده نیز، رشد نسبی خوبی داشته است. قابل ذکر است از این ۲۶ کتاب، ۱۴ عنوان تألیف و ۱۲ عنوان ترجمه است.

سال ۱۳۷۵

تعداد کتاب های سینمایی باز هم در این سال، روند رو به رشدی داشته است و از ۲۶ عنوان به ۳۶ عنوان رسیده است. از این تعداد هنوز هم عنوان های کتاب های فیلمنامه بیشتر است و به عدد ۱۵ می رسد. از ۲۱ کتاب باقی مانده، دو عنوان به تاریخ سینما اختصاص دارد و ۱۹ عنوان به کتاب های نظری. در این آمار، باز هم رشد کتاب های تئوری و نظری چشمگیر و قابل توجه است. از دیگر نکات مهم نشر در سال ۱۳۷۵ می توان به رشد چشمگیر کتاب های تألیف، در مقایسه با کتاب های ترجمه اشاره کرد، به طوری که ۳۶ عنوان کتاب منتشر شده در این سال ۲۴ عنوان به تألیف اختصاص دارد.

سال ۱۳۷۶

در سال ۱۳۷۶ با جهش ناگهانی تعداد کتاب های سینمایی روبه رو می شویم به طوری که تعداد عناوین کتاب های منتشر شده از ۳۶ به ۷۹ می رسد. از این تعداد ۲۹ عنوان از کتاب ها ترجمه است و ۵۰ عنوان تألیف. البته این تفاوت بیشتر در کتاب های تاریخ سینمایی ایران، فرهنگ سینمای ایران و فیلمنامه وجود دارد و تعداد کتاب های تئوری این سال، بسیار به هم نزدیک است. (۱۶ ترجمه در برابر ۱۱ تألیف).

از سوی دیگر در این سال ۲۷ عنوان فیلمنامه منتشر شده که نسبت به سال ۱۳۷۵ تقریباً دو برابر شده است. البته ذکر این نکته نیز ضروری است که ۸ عنوان از ۷۹ عنوان منتشر شده در این سال، به تجدید چاپ اختصاص دارد.

سال ۱۳۷۷

در این سال باز هم تعداد عناوین کتاب های سینمایی، بیشتر شد و از ۷۹ عنوان به ۱۰۹ عنوان رسید با ذکر این عنوان که ۱۴ عنوان از این مجموع به کتاب های تجدید چاپ اختصاص دارد. در سال ۱۳۷۷ تعداد کتاب های تألیف و ترجمه به هم نزدیک شده اند، به طوری که در برابر ۵۷ کتاب تألیف، ۵۲ عنوان کتاب ترجمه داریم. این آمار نشان می دهد که علاوه ناشران و اهالی کتاب سینمایی در این سال، نسبت به سال گذشته، به ترجمه بیشتر بوده است. از طرف دیگر، تعداد فیلمنامه ها در این سال به عدد ۲۲ می رسد که هرچند نسبت به سال گذشته بیشتر شده



سال ۱۳۷۹، ۶۲ عنوان ترجمه است و ۷۹ عنوان تألیف. این نکته نشان می دهد که اقبال و استقبال کتاب های سینمایی به سمت کتاب های تألیفی بوده است. به غیر از فیلمنامه در این سال ۶ کتاب فرهنگ، ۴ زندگی نامه، ۲۲ عنوان کتاب تئوری و دو مورد کتاب گفت وگو بوده است و بقیه عنوان ها، تجدید چاپ کتاب های سال گذشته بوده اند.

سال ۱۳۸۰

سال ۱۳۸۰ با کاهش نسبی عنوان های کتاب های سینمایی همراه بود، به طوری که از ۱۲۹ عنوان به ۱۳۲ عنوان کتاب رسید. اما یکی از نکات جالب و قابل بررسی این سال، رشد چشمگیر کتاب های فیلمنامه است به طوری که بدون احتساب کتاب های تجدید چاپ شده، ۶۰ عنوان کتاب فیلمنامه در سال ۱۳۸۰ منتشر شده است. علاوه بر آن در این سال ۶ کتاب زندگی نامه، ۴ گفت وگو، فرهنگ ۲۷ و کتاب نظری جدید منتشر شده است که از این تعداد ۸۱ عنوان تألیف و ۵۱ عنوان به ترجمه اختصاص داشته است.

رشد کتاب های نظری، آن هم با گرایش تألیف یکی از مشخصه های این سال است.

سال ۱۳۸۱

در این سال، باز هم تعداد عناوین کتاب های منتشر شده سینمایی کاهش یافت و به ۱۱۵ عنوان رسید، البته تفاوت آن با سال ۱۳۸۰ و ۱۳۷۹ چندان زیاد نیست. از این تعداد ۶۵ عنوان تألیف و ۶۰ عنوان ترجمه است. با این توضیح که رشد کتاب های فیلمنامه نه تنها نسبت به سال گذشته کم نشده، بلکه با توجه به کاهش کلی تعداد عناوین، چندان کم نشده و به ۵۳ عنوان رسیده است. این نشان از اقبال عمومی فیلمنامه نزد ناشران و احتمالاً مخاطبان کتاب های سینمایی است. در این سال همچنین کتاب هایی در عرصه «فرهنگ نامه» ۳ عنوان، تئوری ۳۳ عنوان و تاریخ ۵ عنوان نیز به چاپ رسیده و سایر عناوین تجدید چاپ کتاب های سال های گذشته هستند.

سال ۱۳۸۲

در این سال ۱۱۵ عنوان کتاب سینمایی منتشر شد که از این تعداد، ۶۷ عنوان تألیف و ۴۴ عنوان به ترجمه اختصاص دارد.

تعداد فیلمنامه ها در سال ۱۳۸۲ به ۵۰ عنوان رسیده که نسبت به سال ۱۳۸۱ و ۱۳۸۰ کاهش داشته است. اما این کاهش در مقابل کاهش کلی تعداد عنوان های کتاب، چندان غیرمنطقی نیست. در این سال همچنین ۱۳ عنوان کتاب تجدید چاپ شد که رقم قابل ملاحظه ای است. یکی از مشخصات سال ۱۳۸۲ زیاد شدن تعداد ناشران سینمایی است. در این سال ۲۵ ناشر به نشر کتاب های سینمایی پرداخته اند.

سال ۱۳۸۳

در سال ۱۳۸۳، ۱۰۴ عنوان کتاب سینمایی منتشر شده است. آمارها نشان می دهد که سال ۱۳۷۹ در ده ساله اخیر، بیشترین سهم را در چاپ عنوان های جدید سینمایی داشته است. در سال ۱۳۸۳ از مجموع ۱۰۴ کتاب منتشره، ۳۱ عنوان فیلمنامه جدید به چاپ اول رسیده است که از این تعداد ۲۵ ترجمه و ۶ عنوان به تألیف اختصاص دارد. این اعداد نشان می دهد که در سال ۱۳۸۳، فیلمنامه نویسی های ایرانی تعداد کمتری از آثار خود را برای چاپ آماده کرده اند یا به طور کلی، کمتر نوشته اند. همچنین در سال ۱۳۸۳، ۵۱ عنوان از کل مجموع کتاب ها ترجمه و ۵۳ عنوان تألیف بوده است که این نکته نشان می دهد نویسنده های سینمایی، با زندگی نامه، فرهنگ نامه و کتاب های تئوریک را به فیلمنامه ترجیح داده اند.

اما باز هم نسبت به کتاب های دیگر سینمایی، کمتر است. در صورتی که این نسبت در سال های ۱۳۷۳ و ۱۳۷۲ به نفع کتاب های فیلمنامه بود.

سال ۱۳۷۸

در سال ۱۳۷۸ تعداد عنوان های کتاب سینمایی، نسبت به سال گذشته کاهش یافت و به عدد ۶۹ رسیده که هرچند بیشتر از سال ۱۳۷۵ است. اما از سال ۱۳۷۶ کمتر است. از این تعداد ۳۰ عنوان به کتاب های فیلمنامه و بقیه نیز به کتاب هایی از جمله تاریخ سینما، یادنامه، زندگی نامه و گفت وگو اختصاص دارد. طرفه آن که در این بین کتاب های گفت وگو یا شش عنوان، عدد قابل ملاحظه ای را به خود اختصاص داده اند.

از ۶۹ کتاب منتشر شده در سال ۱۳۷۸، ۲۵ عنوان به ترجمه اختصاص دارد و ۴۴ عنوان به کتاب های ترجمه و جالب آن در این سال، فقط دو عدد کتاب از کتاب های سال گذشته، تجدید چاپ شده اند.

سال ۱۳۷۹

در سال ۱۳۷۹ درباره شاهد زیاد شدن عنوان های کتاب های سینمایی هستیم به طوری که ۶۹ عنوان سال ۱۳۷۸ به ۱۳۹ عنوان می رسد. این آمار حتی از تعداد عناوین کتاب سال ۱۳۷۹ نیز فاصله گرفته است. ۲۹ عنوان از مجموع کتاب های سال ۱۳۷۹ به فیلمنامه اختصاص دارد و از این بین، فیلمنامه های ایرانی ۲۶ عنوان را به خود اختصاص می دهد که نسبت خوبی است. البته باید ذکر کرد که در مجموع عنوان های منتشر شده در



گزارش

تازه‌های نشر ۱۳۸۴

به نظر می‌رسد که تعداد کتاب‌های سینمایی در سال ۸۴ دچار کمیت قابل توجهی شود. این را می‌توان از روی تعداد کتاب‌های منتشر شده در یک ماه اول سال پیش‌بینی کرد. با اینکه هنوز مدت کمی از سال ۸۴ نگذشته، سیزده عنوان کتاب تازه سینمایی منتشر شده است. اگر چاپ کتاب‌های سینمایی با همین روند ادامه پیدا کند، سال ۸۴ را باید سال پرکاری برای کتاب‌های نقد، تئوری، فیلم‌نامه و فرهنگ سینمایی دانست و از این نکته خوشحال بود. در ادامه‌ست زیر نگاهی به برخی از کتاب‌های تازه منتشر شده در سال ۸۴ می‌پردازیم.

نخستین باید این نکته را یادآور شویم؛ از تعداد ۱۳ عنوان کتاب منتشر شده، یک کتاب با موضوع فرهنگ اصطلاحات سینمایی، یک کتاب با موضوع تاریخ سینما منتشر شده و از این بین سه عنوان ترجمه و بقیه به مولفان ایرانی اختصاص دارد. همچنین ذکر این نکته حائلی از لطف بیست که اشتراکات مستند، روزنه، توفیق آفرین، نشر علم، روزنه کار، نشر نگاه، موسسه کتاب همراه و اشتراکات اعتبار ناشر این سیزده عنوان کتاب سینمایی بوده‌اند.

از دیگری در برابر دوربین‌های سینمایی و تلویزیونی کتابی است که توسط نشر سمت منتشر شده است. با توجه به سابقه آن در امر چاپ و نشر کتاب‌های آموزشی برای دانشگاه‌های کشور، کتاب «تاریکی در برابر دوربین‌های سینمایی و تلویزیونی» یکی از آن کتاب‌هایی خواهد بود که در دانشگاه‌های سینمایی به کار گرفته خواهد شد. این نکته با توجه به تعداد کم کتاب‌های آکادمیک آموزشی سینما برای دانشگاه‌ها می‌تواند نقطه عطفی برای سیستم آموزشی علمی سینما باشد. نشر سمت این کتاب را در ۳۳۶ صفحه، در قطع وزیری منتشر کرده است. «تاریکی در برابر دوربین‌های سینمایی و تلویزیونی» با شمارگان ۱۰۰۰ نسخه و قیمت ۱۵۰۰ تومان در اختیار علاقه‌مندان و دانشجویان رشته سینما قرار می‌گیرد.

نویسنده این کتاب پاتریک تاکو و مترجم آن غلامرضا طباطبایی است. تاریخ سینمای ایران، ۱۳۶۸-۱۳۵۸ دیگر کتاب منتشر شده در ماه اول سال ۸۴ است. این کتاب را می‌توان جلد دوم کتاب «تاریخ سینما» از آغاز تا سال ۵۷ تألیف همین نویسنده دانست. جلد اول که دیگر کتاب تاریخ سینمای ایران با استقبال زیادی مواجه شد این کتاب را توسط نشر روزنه منتشر کرده‌است. علاقه‌مندان می‌توانند در این کتاب با سایر تاریخ و اراج و فرودهای سینمای ایران بعد از انقلاب و تا سال ۱۳۶۸ آشنا شوند. نویسنده در جلد اول همین کتاب نشان داده که دیدی وسیع و حائلی از جایداری را ارائه کرده است. می‌توان انتظار داشت که همین سیرا در این کتاب هم دنبال کرده باشد.

تاریخ سینمای ایران، ۱۳۶۹-۱۳۵۸ توسط نشر روزنه و در قطع رحلی منتشر شده است. این کتاب ۱۳۰۲ صفحه و پانزده هزار تومان قیمت دارد.

«چهل فیلم، چهل فیلساز و چهل نقد» کتابی است که توسط محمد بهارلو نوشته شده است. این نویسنده که در عرصه ادبیات و سینما فعالیت دارد، همواره نگاه همراه راه را به حوزه کاری اش دارد. بهارلو در این کتاب دو عرصه فیلسازی و نقد فیلم را مورد بررسی قرار داده است که به نظر می‌رسد نگاه او به ادبیات سینمایی تشریحات مربوط به آن و همچنین به سینمای حرفه‌ای و ارتباط این دو، حائلی از لطف نباشد. این کتاب توسط نشر علم، در قطع وزیری و در ۲۹۹ صفحه منتشر شده است. شمارگان این کتاب ۶۵۰ و قیمت آن ۱۵۰۰ تومان است.

اینکونه فیلم سبایم از دیگر کتاب‌های منتشر شده در نیمه اول اردیبهشت سال ۸۴ است. نویسنده این کتاب یکی از سینماگران نامی فرانسه است و حضور او در تاریخ سینما و نحت عنوان موج نوی سینمای فرانسه، حضوری فراموش‌شدنی و مؤثر است. کلود شارول برای نگارش این کتاب از همکارانی از روزنامه نگاران



سینمای فرانسه قرار داد. کریف نیز بهرزه برده است، اینکونه فیلم سبایم به تجربه‌های این کارگردان با تجربه سینماتس که پارسی نه چندان دشوار ارائه شده است. این کتاب توسط اشتراکات توفیق آفرین منتشر شده و شمارگان آن سه هزار نسخه است. خاطراتشان می‌شود که «اینکونه فیلم سبایم» ۸۸ صفحه با قطع زغعی و با قیمت ۱۵۰۰ تومان در اختیار علاقه‌مندان قرار می‌گیرد. ترجمه این کتاب را مانا اسکینی انجام داده است.

«ناتر نامه سینمایی» کتاب دوم بازیگرانه را می‌توان جزو کتاب‌های تاریخی برجسته که در نمایشگاه کتاب عرضه می‌شود. از آنجایی که هنوز کتاب نظری و دانشگاهی در زمینه بازیگری که در این حوزه کتاب‌های تخصصی سینمایی در این حوزه عالی است داریم، کتاب فوق‌الذکر می‌تواند گامی باشد برای بهبود کتاب‌هایی در این زمینه. این کتاب توسط اشتراکات روزنه کار منتشر شده که یکی از ناشرهای فعال در بخش تخصصی چاپ کتاب‌های سینمایی است. نشر روزنه کار در حال‌های گذشته نیز با چاپ کتاب‌هایی چون «اشکارا» و فرهنگ فیلم‌های سینمایی در چند جلد، گام مهمی را در عرصه فرهنگ‌سازی سینما برداشته است.

یکی از کتاب‌های مهم «ناتر نامه سینمایی» کتاب دوم بازیگران، عدده مؤلف‌های آن است. تونی کاتر، مریچ و متصل که ۲۲۴ صفحه دارد. نویسندگان روزنامه نگاران و مترجمانی چون مصطفی اسمعیلی، ایلاز و سمند، مازیا اسکامی، سعید الواسی، حسن حسینی، شهرام حوزایی، خاخرج کوکلی، مهینا، دینا، محسن تقزانی، انوشا قلندرسالی، کاترین کاهن، عیار، محمد کاظمی، سیدرضا منتظری، خسرو خبی و بهرام حیران در شرکت داشته‌اند.

«راگبار» روزه سینمایی سینسترا از دیگر کتاب‌های منتشر شده در نیمه اول اردیبهشت است. این کتاب توسط نویسنده در این کتاب، به سینمای روزه و مؤلف و صاحب نام دو عرصه سینمای مستند پرداخته است. راگبار و توفیق آفرینی و نظریاتش با عنوان «دوربین چشم» مسکی نو را در عرصه مستندسازی به وجود آورده است. حال هموطنان را یکبار با بلوچج ابروف کتلی را در زمینه مسکن و همچنین کار این مستندساز مطرح و معاصر مسکی او تألیف کرده است. این کتاب توسط قلم‌سویین ترجمه شده است و اشتراکات ناشر آن را در قطع زغعی و در ۹۸ صفحه منتشر کرده. خاطراتشان می‌شود که شمارگان راگبار و توفیق، سینمایی مستند ۲۲۰۰ نسخه و قیمت آن ۲۰۰۰ تومان است.

«فرهنگ اصطلاحات سینمایی» کتابی است که در نیمه اول اردیبهشت منتشر شده. این کتاب نیز به اصطلاحات و واژه‌های سینمایی می‌پردازد و هر چند در سال‌های گذشته نیز نویسندگانی چون روزبه دویی، فرهنگ اصطلاحات سینمایی منتشر کرده‌اند اما با توجه به گذشت چندسال از چاپ آن، کتابی‌هایی نظر می‌رسد که کتاب فرهنگ اصطلاحات سینمایی، نوشته علی قصصی می‌تواند این نیاز بازار کتاب را مرتفع کند. «فرهنگ اصطلاحات سینمایی» ۱۰۰ نسخه و قیمت ۲۰۰۰ تومان منتشر شده است. این نشر همچنین کتاب سینمایی «ایلیود» نیز منتشر کرده که مؤلف این کتاب نیز، علی الفصحی است. کتاب سینمایی «ایلیود» ۸۰ صفحه دارد و قیمت ۲۲۰۰ تومان در شمارگان ۱۰۰۰ نسخه در اختیار علاقه‌مندان قرار می‌گیرد.

توفیق آفرین با دوربین رو و در رو با ایلیود گلستان، دیگر کتابی است که برای نمایشگاه آمده شده است. در این کتاب به فیلسازی مستند گلستان آمده شده و مورد تحلیل قرار گرفته است. این کتاب در ۲۶۶ صفحه با قیمت ۲۰۰۰ تومان و در قطع زغعی، با شمارگان ۳۰۰۰ نسخه منتشر شده است.

«کتاب و سینما» همواره ارتباط عمیقی باهم دارند و برگزاری

چادر سینما در نمایشگاه کتاب تهران از سوی معاونت سینما،

بیانگر این ارتباط فرهنگی است. «حیدر جعفری مقدم، مدیر برنامه‌های جشنی حیدر همین

نمایشگاه کتاب تهران در توجیح نشر این مطلب می‌گوید: «قرار شد که از اسامی از سایر معاونت‌ها نیز جهت برگزاری نمایشگاه

کتاب تهران با یکدیگر برگزار می‌شود»

چادر سینما نیز در همین راستا و با هدف آشنی داند پیشتر کتاب و سینما انجام گرفته است.

«چادر سینما» که مکان آن

روبه روی سالن بیست و شش است، جایی خارج از سالن‌های معمول و در قطعی بازار آزاد است.

است. در نسخه پایانی این چادر، در یک فضای کاملاً جدید، تابلویی در

برایم عرضه‌ها از سوی ناشران ندارد.

جعفری مقدم، همچنین از

معاونت‌های دیگر و همچنین نهاد‌های دیگر چون سازمان فرهنگی و معاونت فرهنگ نام

می‌برد که در فعالیت‌های مشابه شرکت کرده‌اند.

مصطفی محمودی سوزن در کنار سینماست. او در خصوص اهداف برگزاری این مجموعه می‌گوید: این طرح از سوی آقای

حیدرآباد ارائه و پذیرفته شد. اسامی اولین سالن است که جشن فعالیت در نمایشگاه کتاب تهران صورت می‌گیرد و هدف از آن،

گوشه‌ای از توانمندی‌های ایران، در زمینه‌های مختلف است و این که در عرصه شعر، به دستاوردی را داشته است.

مسؤول چادر سینما با اعلام اینکه بیست و هشت ناشر دولتی و غیردولتی در این برنامه فرهنگی شرکت کرده‌اند،

می‌افزاید: از همه ناشرانی که در حوزه سینما فعالیت داشته‌اند، برای شرکت در نمایشگاه دعوت شد. اما مسافانه همدانی



سینما و نمایشگاه کتاب

نویسنده این کتاب پاتریک تاکو و مترجم آن غلامرضا طباطبایی است. تاریخ سینمای ایران، ۱۳۶۸-۱۳۵۸ دیگر کتاب منتشر شده در ماه اول سال ۸۴ است. این کتاب را می‌توان جلد دوم کتاب «تاریخ سینما» از آغاز تا سال ۵۷ تألیف همین نویسنده دانست. جلد اول که دیگر کتاب تاریخ سینمای ایران با استقبال زیادی مواجه شد این کتاب را توسط نشر روزنه منتشر کرده‌است. علاقه‌مندان می‌توانند در این کتاب با سایر تاریخ و اراج و فرودهای سینمای ایران بعد از انقلاب و تا سال ۱۳۶۸ آشنا شوند. نویسنده در جلد اول همین کتاب نشان داده که دیدی وسیع و حائلی از جایداری را ارائه کرده است. می‌توان انتظار داشت که همین سیرا در این کتاب هم دنبال کرده باشد.

تاریخ سینمای ایران، ۱۳۶۹-۱۳۵۸ توسط نشر روزنه و در قطع رحلی منتشر شده است. این کتاب ۱۳۰۲ صفحه و پانزده هزار تومان قیمت دارد.

«چهل فیلم، چهل فیلساز و چهل نقد» کتابی است که توسط محمد بهارلو نوشته شده است. این نویسنده که در عرصه ادبیات و سینما فعالیت دارد، همواره نگاه همراه راه را به حوزه کاری اش دارد. بهارلو در این کتاب دو عرصه فیلسازی و نقد فیلم را مورد بررسی قرار داده است که به نظر می‌رسد نگاه او به ادبیات سینمایی تشریحات مربوط به آن و همچنین به سینمای حرفه‌ای و ارتباط این دو، حائلی از لطف نباشد. این کتاب توسط نشر علم، در قطع وزیری و در ۲۹۹ صفحه منتشر شده است. شمارگان این کتاب ۶۵۰ و قیمت آن ۱۵۰۰ تومان است.

اینکونه فیلم سبایم از دیگر کتاب‌های منتشر شده در نیمه اول اردیبهشت سال ۸۴ است. نویسنده این کتاب یکی از سینماگران نامی فرانسه است و حضور او در تاریخ سینما و نحت عنوان موج نوی سینمای فرانسه، حضوری فراموش‌شدنی و مؤثر است. کلود شارول برای نگارش این کتاب از همکارانی از روزنامه نگاران



سینمای فرانسه قرار داد. کریف نیز بهرزه برده است، اینکونه فیلم سبایم به تجربه‌های این کارگردان با تجربه سینماتس که پارسی نه چندان دشوار ارائه شده است. این کتاب توسط اشتراکات توفیق آفرین، نشر علم، روزنه کار، نشر نگاه، موسسه کتاب همراه و اشتراکات اعتبار ناشر این سیزده عنوان کتاب سینمایی بوده‌اند.

از دیگری در برابر دوربین‌های سینمایی و تلویزیونی کتابی است که توسط نشر سمت منتشر شده است. با توجه به سابقه آن در امر چاپ و نشر کتاب‌های آموزشی برای دانشگاه‌های کشور، کتاب «تاریکی در برابر دوربین‌های سینمایی و تلویزیونی» یکی از آن کتاب‌هایی خواهد بود که در دانشگاه‌های سینمایی به کار گرفته خواهد شد. این نکته با توجه به تعداد کم کتاب‌های آکادمیک آموزشی سینما برای دانشگاه‌ها می‌تواند نقطه عطفی برای سیستم آموزشی علمی سینما باشد. نشر سمت این کتاب را در ۳۳۶ صفحه، در قطع وزیری منتشر کرده است. «تاریکی در برابر دوربین‌های سینمایی و تلویزیونی» با شمارگان ۱۰۰۰ نسخه و قیمت ۱۵۰۰ تومان در اختیار علاقه‌مندان و دانشجویان رشته سینما قرار می‌گیرد.

نویسنده این کتاب پاتریک تاکو و مترجم آن غلامرضا طباطبایی است. تاریخ سینمای ایران، ۱۳۶۸-۱۳۵۸ دیگر کتاب منتشر شده در ماه اول سال ۸۴ است. این کتاب را می‌توان جلد دوم کتاب «تاریخ سینما» از آغاز تا سال ۵۷ تألیف همین نویسنده دانست. جلد اول که دیگر کتاب تاریخ سینمای ایران با استقبال زیادی مواجه شد این کتاب را توسط نشر روزنه منتشر کرده‌است. علاقه‌مندان می‌توانند در این کتاب با سایر تاریخ و اراج و فرودهای سینمای ایران بعد از انقلاب و تا سال ۱۳۶۸ آشنا شوند. نویسنده در جلد اول همین کتاب نشان داده که دیدی وسیع و حائلی از جایداری را ارائه کرده است. می‌توان انتظار داشت که همین سیرا در این کتاب هم دنبال کرده باشد.

تاریخ سینمای ایران، ۱۳۶۹-۱۳۵۸ توسط نشر روزنه و در قطع رحلی منتشر شده است. این کتاب ۱۳۰۲ صفحه و پانزده هزار تومان قیمت دارد.

«چهل فیلم، چهل فیلساز و چهل نقد» کتابی است که توسط محمد بهارلو نوشته شده است. این نویسنده که در عرصه ادبیات و سینما فعالیت دارد، همواره نگاه همراه راه را به حوزه کاری اش دارد. بهارلو در این کتاب دو عرصه فیلسازی و نقد فیلم را مورد بررسی قرار داده است که به نظر می‌رسد نگاه او به ادبیات سینمایی تشریحات مربوط به آن و همچنین به سینمای حرفه‌ای و ارتباط این دو، حائلی از لطف نباشد. این کتاب توسط نشر علم، در قطع وزیری و در ۲۹۹ صفحه منتشر شده است. شمارگان این کتاب ۶۵۰ و قیمت آن ۱۵۰۰ تومان است.

اینکونه فیلم سبایم از دیگر کتاب‌های منتشر شده در نیمه اول اردیبهشت سال ۸۴ است. نویسنده این کتاب یکی از سینماگران نامی فرانسه است و حضور او در تاریخ سینما و نحت عنوان موج نوی سینمای فرانسه، حضوری فراموش‌شدنی و مؤثر است. کلود شارول برای نگارش این کتاب از همکارانی از روزنامه نگاران

روزنه کار
کتاب سینما

شماره ۲۲

اردیبهشت ۱۳۸۴

۲۲



گزارش

بانک جهانی کتاب‌های سینمایی

هنوز هم همشهری کین

مارلین فایه نوشته شده و توسط انتشارات دانشگاهی کالیفرنیا، در سال ۲۰۰۵ وارد بازار کتاب شده است.

سینمای کانگستری آمریکا

از همان فیلم‌های اول تاریخ سینما، تبهکارها و جنایتکارها نقش‌های ویژه‌ای در فیلم‌ها داشتند. در کتاب «سینمای کانگستری آمریکایی» (American Gangster Cinema)، این موضوع در تاریخ سینمای آمریکا مورد بحث قرار می‌گیرد. فران مامون، نویسنده کتاب، بررسی خود را از فیلم کلاسیک قیصر کوچک دهه ۱۹۳۰ شروع می‌کند و به داستان‌های عامه‌پسند می‌رسد. او در این فاصله فیلم‌های دیگری چون «صورت زخمی»، «دشمن مردم» و «اسگاندی» را نیز مورد بررسی قرار می‌دهد. سینمای کانگستری آمریکایی در ۲۸ صفحه و توسط انتشارات Palgrave Macmillan در پایان سال ۲۰۰۴ به چاپ رسیده است.

تاریخ سینما از دیدگاه تکنیک

کتاب‌های تاریخ سینما از اوایل، یکی از این کتاب‌ها، تاریخ سینمای اوپرت سی‌ان‌ان و ماکلاس جرمی است که با ویرایش جدید، بازنگری وارد بازار کتاب شده است. این کتاب ۲۹۸ صفحه دارد و در فوریه ۲۰۰۵ به چاپ رسیده است و آنچه که محور این تاریخ سینماست، بحث‌های تحریک و عملی سینماست.

سینمای صامت

با وجود گذشت حدود هفتاد سال از پایان سینمای صامت هنوز این سینمای تولد حرف‌هایی با ما داشته باشد. The Silent Cinema Reader کتابی است در ۲۸۸ صفحه که توسط پتر کرامر وی گریسون تألیف شده و توسط انتشارات Routledge در دسامبر ۲۰۰۴ به چاپ رسیده است.

هر ساله تعداد زیادی کتاب سینمایی در جهان منتشر می‌شود. در که از این تعداد برخی فرست این را می‌یابند که به زبان فارسی ترجمه شوند یا گفته بیداست که برخی از کتاب‌های سینمایی ترجمه شده به فارسی، با فاصله‌های نسبتاً زیاد از تاریخ نشرشان صورت می‌گیرد و با توجه به روزانه شدن تئوری‌های سینمایی و مسائل مربوط به سبک فیلم، برخی از آنها کارآمدی خود را از دست می‌دهند. در این ستون به معرفی چند کتاب جدید سینمایی می‌پردازیم. معرفی این کتاب‌ها، فقط فتح بابی است، و گرنه تعداد کتاب‌های جدید سینمایی بسیار فراوان است.

کتابت‌ها

این کتاب مجموعه‌ای از مقاله‌های مجله New Writing است که با ویرایش دانیل آتیل به چاپ رسیده است. «علاقه‌مندان می‌توانند در این کتاب، با مناسبات حرفه‌ای هالیوود و پشت صحنه‌های چنجالی اش آشنا شوند. ۸۶ صفحه در سال ۲۰۰۵ منتشر شده است.

میان هنری روایت

سینما در طول سال‌های مختلف، همواره در جست و جوی شیوه‌های جدیدی جهت روایت بوده است. کتاب watched film closely به چگونگی بیان هنری روایت در سینما می‌پردازد و با نگارشی نو به فیلم «همشهری کین» (هنرالیسم ایتالیا)، «سوج نوی فرانس» و... به چگونگی روایت داستانی در سینما می‌پردازد. این کتاب توسط پژوهشگر نام آشنای سینما،



سینمای دلبره

علاقه‌مندان به فیلم‌های وست‌اک هم می‌توانند با خواندن کتاب «Homo Film» تکنیک‌ها و چگونگی ساختن فیلم‌های ترساک آشنا شوند. این کتاب نوشته استیوان هانتکه و در ۳۹۱ صفحه توسط انتشارات دانشگاهی می‌سی‌سی‌پی به چاپ رسیده است.

چیزه سوم

علاقه‌مندان به سینمای ساموئل فیور (۱۹۹۷-۱۹۱۱) می‌توانند «خود زندگی نامه» او را تحت عنوان چیزه سوم بخوانند. این کتاب در سال ۲۰۰۴ توسط انتشارات Apperone در ۶۰۸ صفحه منتشر شده است.

سینمای اروپا

سینمای اروپا و تفاوت آن با هالیوود همواره مورد توجه علاقه‌مندان به سینما بوده است. در کتاب «Cinema European» که توسط انتشارات اسکوردو، در ۲۶۰ صفحه به چاپ رسیده است. می‌توان اطلاعات جامعی در این زمینه یافت. این کتاب توسط ویرایش آره نوشته شده است. شاید بداند که به کتاب بالوود (Bollywood) هم اشاره‌ای داشته باشیم که توسط تامسونی گاتی، نوشته شده و به زبان عامه‌پسند سینمای هند می‌پردازد. این کتاب توسط انتشارات Routledge به چاپ رسیده است.



گزارش

کتاب‌های فیلمنامه‌نشر ساقی

اسکلارو، را منتشر کرده است.

این فیلمنامه‌ها اغلب بر اساس فیلم‌های انتخاب شده‌اند که امکان بخش داخلی آن به نحوی فراهم شده است. برخی از این فیلم‌ها در شبکه‌های مختلف تلویزیونی به نمایش درآمده‌اند.



برخی دیگر در خانه کوچک فیلم حوزه هنری، این نکته، «علاقه‌مندان به فیلمنامه نویسی و سینما را در جهت درک هر چه بیشتر رابطه فیلم و فیلمنامه یاری می‌کند. از این بین کتاب «فارگو» را به طور مختصر معرفی خواهیم کرد. «فارگو» فیلمنامه‌ای است نمرود جلیزه سینمایی اسکلار که با بحثی و ظرافت داستانش را در زائر حواز «بای» می‌کند. در واقع این

فیلمنامه را می‌توان نمونه کامل از دستیابی به سبکی دانست که از یک سو واقعی به نظر می‌رسد و از نظر تکنیک رالیسم هدفمند جدی سازنده فیلم بوده و از سوی دیگر کنترل شدید فیلمنامه نویسی بر همه جزئیات و اجزای یک فرم غیظ و جنون‌آلود به همه جای فیلم به چشم می‌خورد. شاید سبک «فارگو» همان چیزی باشد که ریموند کارور در ادبیات آن را به اوج رسانده است. داستان «فارگو» داستان مردی از یک گروه تبهکار است که می‌خواهد که در ازای دریافت دستمزد، همسرش را بزدند. او می‌خواهد از این طریق بارزیش را در منگنه بگذارد و از ابراج توهاهی کند. اما همه ماجرای «فارگو» این نیست. ماجرای ساده فیلم، در پشت جزئیات فراوان پنهان شده و آنچه که آن را جذاب و دیدنی می‌کند، شوخی‌هایی است که نویسنده‌گان فیلمنامه، گاه و بی‌گاه انجام می‌دهند. این شوخی‌ها هم شوخی‌ها متعارف سینمایی نیستند، طنزهای سیاه هستند که در برابر فیلمساز به وسیله آن داستانی پیش پاینده و ساده را تبدیل به فیلمنامه‌ای جذاب می‌کند. جویل کونن متولد سال ۱۹۵۵ و فارغ التحصیل دانشگاه جدی و تلویزیون نیویورک است. او معمولاً در تیزر فیلم به عنوان کارگردان ذکر می‌شود. لیان کونن متولد سال ۱۹۵۸ است. او قلم‌فروخته و نویسنده و آرمش به عنوان تهیه‌کننده می‌آید. اما اسم هر دو برادر به عنوان فیلمنامه نویسنده و فیلم‌ها و کتاب‌هایشان می‌آید.



خبرشن

نشر نی و کتاب‌های فیلمنامه

صد سال سینما... صد سال فیلمنامه



نشر نی از سال ۱۳۴۶ شروع به انتشار مجموعه فیلم‌های «صد سال سینما... صد سال فیلمنامه» نموده است. این سال مصادف با صدمین سالگرد سینما بود و نشر نی با ترجمه برترین‌های فیلمنامه جهان، گام بزرگی را جهت آشنایی سینماگران و علاقه‌مندان به سینمای جهان برداشته است. دبیری این مجموعه برعهده مجید اسلامی است و تاکنون ۴۶ عنوان از کتاب‌های این مجموعه منتشر شده است. نخست به نام کتاب‌های منتشر شده در این مجموعه می‌پردازیم و سپس در مورد چهل و ششمین کتاب این مجموعه، مختصری به بررسی خواهم پرداخت؛ (شرق بهشت) نوشته بل آیزن و الیا کاران؛ ترجمه بهرام ری‌پور، «پاترپانچالی» نوشته ساتیاچیت رای؛ ترجمه امیر روش‌ضمیر، «آشوب» نوشته آکیرا کوروساوا؛ ترجمه گیلدا ایرلانو، «پاریس نگراس» نوشته سام شیارد و ترجمه هوشنگ گلکمانی، «شب نوشته میکال آنجلو آنتونیونی، «ایز فلاپانو، «توتیو گوتو» ترجمه هوشنگ گلکمانی، «اورده» نوشته ژان کوکتو؛ ترجمه مجید اسلامی، «سینما پارادیزو» نوشته الیا کاران و ترجمه هوشنگ گلکمانی، «پنجاه صدضریه» نوشته مارسل موسی، فرانسوا تروفو ترجمه حمید هادیپنیا، «مد سوم» نوشته گراهام گرین، کارول ریو ترجمه مجید اسلامی، «چاقو در آب» نوشته برزی اسکولوفسکی، «کوبس گلنبرگ، رومن پولانسکی و ترجمه معطفولی، «مسافر» نوشته آنتونیونی، پترول، مارک پیلو ترجمه بهرام دهقانی و علی‌رضا میهنی، «بروکو و برادرانش» نوشته لوئین ویسکونتی؛ ترجمه ابرج کریمی، «اینه نوشته آندره تارکوفسکی و ریاض صبیح مردانیان، «هانی و الکساندر» نوشته اینگمار برگمان، ترجمه مهسا ملک مرزبان، «آقاویل» نوشته ژان لوک گدار؛ ترجمه شهزاد رحمتی، «ایه په لوموکی» نوشته ولین دیوویو، «هاری لایارت» ترجمه الیا ارجمند، «زده باران» نوشته جان اشیک، «الیا کاران» ترجمه هادیون نورااحمر، «حموده» نوشته خوزه جیوانی، ژان اورول؛ ترجمه گیلدا ایرلانو، «بابی و کلاید» نوشته اربرت بنتن، دیوید

حسین نعیمی و «گویی سرخ دست» نوشته پی برودی، ژاک بکر ترجمه فرشته میرفردی، «گویی فیلم آروت بازی‌های کلاسی و صحنه‌های باشکوه چشمگیر نیست، حتی از آن نوع جزئی‌نگری که فیلم «مغره» را به شاهکار بدل می‌کند نیز خبری نیست، «گویی سرخ دست» فیلمی است با داستانی منطقی و ظاهر ساده که تماشاگرش را به روابط میان شخصیت‌هایش توجه می‌دهد، به گونه‌ای که نگاهها و حرکات‌ها ساده، باعما و به یادمانی، به نظر می‌رسد؛ نوعی واقع‌گرایان فرانسوی متأخر از رالیسم شاعرانه پیش از جنگ و پیشگویی نئورالیسم ایتالیایی دهه‌های جنگ دوم جهانی، «گویی سرخ دست» جزویکی از فیلم‌هایی است که در جست‌و‌اره فیلم‌فجر به نمایش درآمد؛ فرصت این را داشت که چند بازیگر در شبکه‌های مختلف از نظریون بخش شود.

خبرشن



با فانوس خیال

و علاقه‌مند به فیلم‌های این کارگردان باشد. «آوازهایی که مادرم به من آموخت»؛ زندگی‌نامه‌ی بازیگر مشهور سینما، «مارلون براندو» است. این کتاب به سفارش خود براندو و توسط یک روزنامه‌نگار مجرب به اسم «اربرت لیدزی» نوشته شده است. نویسنده در مقدمه کتاب می‌نویسد: «این کتاب برینمای



نشر فران‌روز بین سال‌های ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۰ مجموعه‌ای را تحت عنوان «فانوس خیال» که مجموعه‌ای از کتاب‌های سینمایی است، روانه بازار کرد. متأسفانه این مجموعه پیگیری نشد و ایده نداشت. چهار کتاب این مجموعه در این برداشت کوتاه معرفی می‌کنیم و امیدواریم هرچه زودتر، کتاب‌های دیگری نیز به این مجموعه اضافه شود.

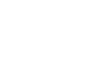
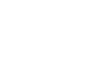
کتاب «فانوس خیال» مجموعه‌ای است که از دهه چهل تاکنون نقل‌ها و یادداشت‌های سینمایی می‌نویسد. نقل‌های او در نشریه‌ی «هیچون فردوسی» زندگی‌نامه و فیلم «سینما نقد سینما» و ستاره سینما «چاپ رسیده است» است. او در این کتاب فیلم‌هایی مثل «سه دیوونه» و «خدا حافظ تهران»؛ «دشت سرخ»، «هالیو و خاک» «موتل‌ها»؛ «تکنیک»؛ «مصرف‌کننده»؛ «سلسله‌ای»؛ «روای گریگ»؛ «وگیا»؛ «در باران»؛ «زوریای پوتانی» و... را مورد نقد و تحلیل قرار داده است. کتاب «فانوس خیال» یک اعجاز دیگر هم بسیار جالب است. شما می‌توانید تفاوت‌های این نقل را از دهه ۴۰ تا این اواخر پیگیری کنید. اصحاب به قدریکه فلتی، دیگر کتاب این مجموعه است. قدریکه فلتی، کارگردانی بود که فیلم‌هایی چون «جاده زندگی»؛ «سیرین»؛ «رم‌آملر کورده»؛ «سایزیکس» و... «تائیری اساسی» بر هنر سینما گذاشته است. بی‌شک نیست که حتی بعضی از صاحب‌نظران، سینما را به دو مرحله قبل و بعد از فلتی تقسیم می‌کنند.

در کتاب «اصحاب» با قدریکه فلتی و آثار او آشنا می‌شوید. در مورد زندگی و آثارش حرف می‌زند. خواندن این ماستر او خاطرانی که قدریکه فلتی از صحنه فیلم‌هایش می‌گوید، برای هر مخاطبی می‌تواند جذاب باشد، به خصوص که این مخاطب عاشق سینما

گفت‌وگویی ما نوشته شده است. البته من از نوشته‌های مارلون هم استفاده کرده‌ام. از چوهایی که برام تعریف کرد و از گفت‌وگوت‌ها و تجربیاتش برای شکل دادن به جزئیات زندگی‌اش استفاده کرده‌ام. وقتی مستعجب اولیه آمدم، نشانه‌ها را می‌دیدم و صحت آن را تأیید می‌کردم. بعد آنچه به نظرش می‌آمد از مشاهدات و اطلاعات و خاطرات خود بیاز هم به آن افزود و در نهایت خودش تصمیم گرفت چه مطالبی از متن اولیه چاپ و چه قسمت‌هایی حذف شود.

«آوازهایی که مادرم به من آموخت»؛ هر چند توسط خود براندو بازنویس شده اما نشان می‌دهد که یک بازیگر چطور به روح رسیده و چطور ایده داده است.

کتاب «بودی آن» از زبان وودی آلن، حاصل تحقیق و گفت‌وگوهای طولانی یک منتقد اروپایی در نشست‌های متعدد با فیلیپساز است. اسپیکر پروگمان با پرسش‌های دقیق که از آلن پرسیده، هم‌راهِ کار او را گوشه‌ای از گفت‌وگوها در سال ۱۹۹۲ انجام قطعه‌به‌قطعه فیلم‌هایی می‌برد که وودی آلن تا آن تاریخ ساخته است. اما همین حد نیز، ما را شخصیتی بی‌نظیری می‌شود که ما و سینمای جهان را تحت تأثیر قرار داده است.





لوتک آزتا

گفت و گو

گفت وگو با جمال امید، مورخ سینمای ایران

تنوع تاریخی در خدمت تحلیل

جمال امید، یکی از نخستین مورخان تاریخ سینمای ایران است و از سال ۱۳۴۷ تا به امروز به صورت جدی این مقوله را دنبال می‌کند. مجموعه کتابهایش در زمینه‌های «فرهنگ‌نویسی» و تاریخ نگاری، به عنوان منابع در کارهای پژوهشی و تحقیقاتی استفاده می‌شود. هر چند که برخی‌ها به افزایش نگاه انتقادی دارند که البته او هم این مسأله را انکار نمی‌کند، ولی واقعیت این است، تا زمانی که تاریخ به شکل منکوب ثبت نشود، درباره صحت و سقم رخداده‌ها و واقع‌ها نمی‌توان نظر داد و به عبارت دیگر، دیدگاه ناتوانسته غلط ندارد.

گفت وگویی در این خصوص با امید انجام دادیم.

کتاب نخست، دارای ۳۲۰۰ صفحه است.

توسط کدام ناشر به چاپ رسیده؟

حسب اغلب فرهنگ‌ها، با انتشارات نگاه و تاریخ سینما، را با انتشارات روزنه کار می‌کنم که در این مورد هم چنین اتفاقی افتاد.

جلد دوم کتاب، کی عرضه می‌شود؟

جلد دوم فیلم‌های سال‌های ۱۳۷۰ تا ۱۳۸۰ را در بر می‌گیرد و هم اکنون در مرحله حرفه‌چینی است و امیدوارم سریع‌تر فرصتی فراهم شود تا عرضه گردد.

عنوان جلد سوم چیست و در آن چه مسائل و نکاتی را دنبال می‌کنید؟

ربع قرن (۱۳۸۰-۱۳۵۸) پس از انقلاب، مراکز متنوع و متعددی سینمای ایران را مورد حمایت قرار داده‌اند که در این کتاب به آن مراکز پرداخته‌ام. منظورش اینست، سینمای بنیادسینمایی، انقلابی، پرورش فکری کودکان و نوجوانان، فیلمخانه ملی ایران، حوزه هنری، سینما فیلم، انجمن سینمای جوانان، مرکز گسترش سینمایی مستند و تجربی، خانه سینما، انجمن سینماداران، انجمن تهیه‌کنندگان حوزه سینما، تلویزیون و… همین‌طور مقالاتی همچون سیاست‌ها و روش‌های اداره سینما، جشنواره‌ها در ایران، سینمای مستند، حضورهای بین‌المللی سینمای ایران، دیوالنوشته‌ها، انتشارات سینمایی و… نیز مورد کند و کار قرار گرفته است.

این کتاب در چه مرحله از کار قرار دارد؟

قرار است آن را به کتبی سینما.

در آیینته قصد دارید به چه کتاب‌هایی پرداخته‌اید؟

مطابق معمول حیطه «فرهنگ‌ها» و تاریخ و سینمای ایران را دنبال خواهم کرد، یکی از کتاب‌هایی که در دست دارم، تاریخچه فیلم‌های خارجی و سال‌های سینما، نام دارد که قرار شده است منتهی‌المرای را در اختیار آقای پرویز دویلی قرار دهم تا ایشان خاطرات و مشاهدات خود را در خصوص سال‌های سینما و فیلم‌های خارجی ارائه دهند.

چرا دویلی؟

برای اینکه ایشان تنها کسی هستند که مسائل سینمای ایران در آن سال‌ها را به‌طور روشنگارانه و دقیق دنبال کرده و به خاطر سپرده‌اند. از سویی دیگر آقای دویلی استاد و معلم من هستند.

پس به می‌گفتید.

کتاب دیگری در دست دارم، عنوان «عزیزان فیلم، هزار نکته»

قریب هزار فیلم از تاریخ سینمای ایران از مورد گزینش قرار داده‌ام و

آقای امید! درباره جدیدترین کتابتان توضیح دهید.

همان‌طور که می‌دانید، اثر جماعت نخست کتاب تاریخ سینمای ایران، به سینمای پیش از انقلاب پرداخته شده از سال (۱۳۴۹ تا ۱۳۵۷) اما در مورد سینمای پس از انقلاب به گونه دیگری عمل کردم. به طوری که به تاریخ سینمای ایران پس از انقلاب در سه جلد پرداختم.

چرا؟

اگر جلد نخست را خوانده باشید، درباره فیلم‌های پیش از انقلاب



کوتاه و مختصر توضیح داده‌ام و تحلیل ارائه کرده‌ام. به دلیل اینکه تعداد فیلم‌هایی که قابل بررسی باشد، خیلی زیاد نبود، ولی در فیلم‌های پس از انقلاب سعی کرده‌ام در حد و اندازه‌های فیلم‌ها مطلب ارائه دهم.

موضوعاتی دستمایه قرار گرفت که قابل بحث می‌باشد، سپس به تک تک فیلم‌ها تحلیلی‌تر از گذشته نگاه کردم. ضمن اینکه تعداد نویسندگان، منتقدان، روزنامه‌ها و مطالب نوشته شده درباره فیلم‌ها در این سال‌ها خیلی بیشتر از قبل بود، در نتیجه، مواد خام‌ها، حجم کار بالاتر می‌رفتند. جلد دوم «تاریخ سینمای ایران» که در واقع جلد اول «تاریخ سینمای پس از انقلاب» محسوب می‌شود، در ایام بنیادسنگا کتاب عرضه می‌شود و فیلم‌های سال ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۸ را مدنظر دارم و مثل

درباره مسائل مختلف که پیرامون آنها رخ داده، مطلقاً ارائه نکردم.

یعنی به جای موزه به حاشیه فیلم‌ها پرداختید؟

بله، همین‌طور است. یعنی آن مسائل قابل مریج در کتاب تاریخ سینما نبودند ولی فرقی‌نامه دارای جذابیت و نکته‌های خاصی‌اند که برای خوانندگان ایرانی خوانش است.

نکته دیگری این است که معمولاً دیگران درباره فیلم‌های اقتصاد اعتقاد دارند که اصولاً درباره وقیع و رخدادها نظر و تحلیل ارائه نمی‌دهم.

چاپ برسد ولی به لایه‌های سینما با این همه، باید از نشان کتاب‌هایم تشکر کنم که نهایت همکاری را با من در زمینه انتشار کتاب دارند داشته‌اند.

آقای امید! دلیل علاقه شما به تاریخ چیست؟

اتفاق این سؤالی است که همه می‌پرسند. واقعیت این است وقتی که وارد این عرصه شدم، با کار ترجمه شروع کردم، تا اینکه یک روز آقای فرخ غفاری به من گفتند چرا دنبال این کار هستید؟ خیلی‌های

دیگر هم در این عرصه حضور دارند و کار می‌کنند. چرا تاریخ سینما را دنبال نمی‌کنی؟ ایشان مرا تشویق کردند و در این عرصه سلووم، من هم از سال ۱۳۳۷ کار را با شروع کردم و حتی در سال ۱۳۵۵ یک فرصتی فراهم شد که من و آقای فرخ غفاری در این زمینه کتابی منتشر کنیم

ولی نشد! ایشان هم ایران را ترک کردند و من در اینجا کار را دنبال کردم. یاد می‌آید طی سال‌های ۱۳۳۱-۱۳۳۰ انتشارات قاریاب پشته‌های

در زمینه فرهنگ سینمای ایران به من ارائه کردند، و آن سال‌ها اتفاقات زیادی به سینمای پیش از انقلاب می‌شد و خیلی‌ها به کار ما خرد می‌گرفتند ولی همیشه اعتقاد داشتم باید سینما پیش از هر پدیده دیگر

مسائل آن منکوب شود! اصولاً تاریخ تا نوشته نشود، نمی‌توان تحلیل درباره آن ارائه کرد.

حتماً می‌دانید به فکر شما افراد دیگری هم در زمینه تاریخ سینما کار می‌کنند، کارهای آنان را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

هر چه نگاه‌های متفاوتی بسست به یک مقوله وجود داشته باشد، راحت‌تر می‌توان رویای آن پدیده را دیدید و درباره‌اش تحلیل نوشت.



توسط سینماگران موج نو ارائه شده است. در بخش اول «خاروم» به معرفی دیگر ترسیم‌رخداده‌ها از گذشته در می‌نویسد و ارتباط آن با سینمای داستانی، یکی از مواردی است که در بخش اول مورد بحث قرار گرفته است. هر چند که در سبک‌های پیشینی بدون انفرادی‌انیمه، سینمای ایالتا

سینمای داستانی به دستند، تزویج شد و مثال بارز آن «مردود و پوچر» است. اما این بحث درحومج نو به واسطه سبقت تکنولوژیکی و مولدیتویجی فیلمسازان موج نو، آن رسیده

بودند، کسی دچار تعجب شد.

همچنین در موج نو برای اولین بار، موسیقی فیلم در حوضه و هم‌راه با فیلمبرداری انجام شد. این نکته در دوره‌ای که هنرهای نمایشی در حوضه نیز چندان مرسوم نبود، نوآوری خاصی بود. در فصل دوم نیز با تعابیر مختلفی از سوری سینماگران و منتقدان در مورد موج نو ریزیدر هسستم، چیزی که در نهایت تمام موج نوئی سینمای

فرانسه را به کتابی جامع و کامل تبدیل می‌کند. این کتاب توسط نشر نیلوفر به چاپ رسیده است.

اوله به مسائل کلی موج پرداخته شده و

در بخش دوم «موج از دیدگاه کارگردان‌های این جریان هنری و منتقدان سینمایی» مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

بخش اول از شروع موج نو در سال ۱۹۵۸ تا سال‌های اوج و سپس افول آن را در بر می‌گیرد. در این فصل مؤلف شرح می‌دهد که چرا در سال‌هایی که سینمای فرانسه در سکون به سر می‌برد، عده‌ای جوان نوچران آن را به تحریک گذاشتند. همچنین در این فصل به دیگر مسائل بنیادی موج نو از جمله سینمای مؤلف پرداخته شده است. سینماگران این

جریان معتقد بودند، دوربین درست شبیه قلب است که کارگردان با آن می‌توسید. این بارداشت‌های قلبی که کاهی نقش کارگردان را تا حد تعالی‌کی کاهش می‌داد. بدشت متناقض بود. آنها با بهره‌گیری از کارگردان‌های چون آلفرد هیچکاک، کوری‌های خود را تنظیم کردند. هر چند که در آغاز، این نظریه‌ها چندان منسجم نبود و بیشتر در حد افراض و نقد بود. اما کم کم قوام یافت و به یک انسجام نسبی رسید. البته هیچ وقت این نظریه‌ها کاملاً یکی نشده‌اند، و این در اظهار نظرهای شهرواست که در بخش دوم کتاب و



رخشانی بنام اعتماد

حیطه مطالعاتی ام متوجه است و بستگی به حال و هوای خود و فضای کاربایم دارد.
کتاب های نوشته فیلمانه در دوره پژوهش معمولاً تخصصی-سینمایی بخصوص در زمینه فیلمنامه‌نویسی مطالعه می‌کنم و همین طور فیلمنامه‌های ایرانی و فیلمنامه‌های ترجمه‌شده را می‌خوانم ولی آنچه که طی این سال‌هاخبرم کردم این است که هنوز دانش در مورد ساخت و خوب شنیدن تالیف برای ذهن آدم دارد اما اینکه کارمیک بیشتر تاثیر گذارد واقعاً نمی‌دانم، به نظرم خواندن فقط بخشی از مطالعه محسوب می‌شود.

بیناتفرهی

این روزها بیشتر آثار نوبستگان را از مطالعه کردم، مثل رمان *ایبراهن آبی* نوشته ناصب کبیری که به نظرم خیلی جالب و خواندنی بود. همین طور مجموعه شعرهای خانم کبیری را دوباره خوانی کردم.

با اعتماد می‌کنیم!
دوبای پرزاد خیلی ارتباط برقرار کردم. کتاب *پرهلم کن*، اسرین قنبری را ده‌ویزاره خواندم و از آن لذت بردم. از نویسندگان‌سلی‌گرا فریده گلپزاد خیلی دوست دارم و بخصوص رمان «مکافات روزگاره» ایشان را خیلی پسندم.

ضمناً در شعرهای خانم «فریده» فولادوند اشتیاقم که به نظم کار جالبی بود این کارها در عین اینکه جذاب هستند از وقار سنگینی هم برخوردارند.

به نظرم زبان شعر و فلسفه دل‌نستم و بنابراین هیچ وقت کتاب‌های می‌خوانم و سواق هستند. همچنین در حال مطالعه کتاب *زهره*، پائولو کولیو هستم و هنوز آن را به پایان نرساندم ولی تا آن لحظه

خزایش

دنیای شخصی

از کار خوشم آمد.

اصولاً به رمان و داستان کوتاه خیلی علاقه‌مندم وقتی با یک رمان ارتباط برقرار می‌کنم، نشوین می‌شوم سراخ رمان دیگری بروم و خوشبختانه این روزها رمان‌های مطلوب مطالعه می‌کنم و همین مسأله به من انرژی مضاعفی می‌دهد.

خسرو سینمایی

سن و سال تجربه در نوع مطالعه بسیار تاثیر گذار است. اگر کسی در مرحله‌ای از زندگی اش باشد که «آموزش» می‌بیند، پس نیاز وارد کتاب‌های متوجهی را مطالعه کند. من در دوران تحصیل زیادگیری به وفور کتاب‌های تخصصی سینمایی رمان و… را مطالعه کردم. ولی بعد از آن انسان وارد مرحله دیگری می‌شود و آن مرحله «انگاز شخصی» است. در این مرحله آن مطالعه‌ات، تجربیات و یافته‌های شخصی که در ناخودآگاهش متقل شده کمکی کند که آن فرد به دید شخصی برسد، ولی با این حال در هر مرحله مطالعه نیاز جدی هر انسان است، بخصوص هنرمند باید دایماً یافته‌های خود را مرور کند و از نو بسازد.

بااین وصفه در این مرحله راه زندگی و علایق ام را پیدا کردم، پس به سراغ کتاب‌هایی بروم که با دنیای شخصی‌ام همخوانی داشته باشد. مثلاً دوست دارم با تجربه‌های شخصی کارگردانان مشهور سینما آشنا شوم، بنابراین اخیراً کتاب *مصاحبه بیلی ویلدر* را خواندم همیشه به سینمایی هستان علاقه‌مند بودم و هستم پس سعی می‌کنم به تجربیات شخصی آنلدی ویلدا از طریق کتاب خاطرات از زندگی اش نزدیک شوم. سائله‌است تاریخی و فلسفی را رها نمی‌کنم. به نظرم فلسفه و تاریخ درس‌های بزرگی را به انسان می‌آموزد.

سایه‌داشت

بابک احمدی و کتاب‌های سینمایی اش

نشانه‌ها



بابک احمدی همچنین کتابی را در مورد ادبیره تارکوفسکی به نگارش در آورده است. او در این کتاب به نشش فیلم تارکوفسکی (با تأکید روی آینه) پرداخته است و نقش امید و ایمان را در آثار او به نمایش می‌گذارد. تارکوفسکی بعد از خواندن کتاب احمدی، برای مابعد تازاری پنا خواهد کرد.

نکاتی به کتاب، گفت وگو با بیلی ویلدر

پراز تجربه

در این کتاب مسائلی چون داستان فیلم، شخصیت‌پردازی، صحنه‌پردازی، فیلمبرداری و… در سینما صحبت شده است و فیلم‌های خیلی ویلدر مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. او در این میان تجربه‌هایی را که می‌ساختن فیلم به دست آورده، با کمربن کروو و مخاطبان در میان گذاشته است.

کمربن کروو با سوال‌هایی که از بیلی ویلدر پرسیده است، نشان داده که گرفتن سباده اسکار از سوی او اتفاق نیوده است. صحبت او با کارگردان سابقه سینما به فیلم‌های او محدود نشده است و هنرهای دیگر از جمله آیینات را نیز در بر گرفته است. صحبت‌های ویلدر در مورد ساینجر خواندنی و جالب است. اما مهم‌ترین نکته کتاب گفت وگو با بیلی ویلدر این است که

مقدم ذهن یک هنرمند سینماگر نباید تک‌بعدی باشد. ویلدا به عرصه‌های مختلف سرک بکشد، چرا که سینما یک ابزار است. آن چیزی که این ابزار را به کار می‌گیرد، ذهن است و اگر ذهن یک بنگ‌بندی باشد و فقط مطلقاً به سینما شود، قطعاً فرآیند نهایی هر بنگ‌بندی خواهد بود. دو حالی که ذهن باید مجموعه‌ای از محرکات و تجربیات متن باشد و موجب بازوری محصول نهایی ایفا می‌کند. به تازگی مسئول ساخت فیلمی درباره صادق هدایت هستم و به همین دلیل دو سال حاضر بیشترین تمرکزم بر روی آثار او و تحلیل‌های انجام شده درباره آثار است.



خسرو سینمایی



علی نصیریان



بینا فرهی

اخبار کتاب‌های انتشارات نیایش سینمایی فارابی را مطالعه کردم و لذت بردم. همیشه سعی می‌کنم مباحث تخصصی سینما را تاثر را دنبال کنم، چون باید به روز باشم. همیشه رمان و شعر را دوست دارم. پس یکی از حیطه‌های مطالعه‌ای‌ام همین هاست. به شدت به آیینات عامه علاقه‌مندم، به همین دلیل اخیراً کتاب *دولجندی* هوشیارم که مجموعه مقالاتی است از دکتر محمدجعفر محبوب به درباره آیینات عامه و ایشان بسیار خوب کار کرده‌اند. کتاب *گشده لب* دریا و دکتر تقی پورناینداریان را مطالعه کردم که درباره جهان روح کلی اشعار حافظ است و به نظم کار می‌نظری بود. «دن آرام» ترجمه احمد شاملو را مطالعه کردم که نظری خوبی بود. رمان *میروه* ترجمه لیلی گلستان را نیز خواندم.

به کلمه صحیح‌هایی که توسط دکتر شفعی کدکی انجام شده علاقه دارم، مثل *معلم الطیر* معطار نیشابوری. به هر حال حیطه کتاب‌های مورد مطالعه‌ام بسیار متنوع است و سعی می‌کنم از مطالعه دور نیاشم.

بابک سینمایوگراف را دارای اصالت می‌دانست، بابک احمدی این لغوت را در کتابش شرح داده است. امید هر جا بخواهد می‌رود به جاب سوم رسیده است و

مؤلف آن را برای این چاپ، مجدداً ویرایش کرده است. تصاویر دنیای دیگر خیلی‌اوقات بابک احمدی است. او در این کتاب مجموعه مقالات سینمایی اش را گردآوری کرده است. اما مقاله‌ها چندان پراکنده نیستند. موضوع‌هایی چون ایمان، ماتئوریک، تنهایی و امید، محور اصلی فیلم‌هایی هستند که بابک احمدی آنها را نقد و معرفی کرده است. این پار نیز کار او، از حد یک معرفی با نقد گذشته و به مسائل بنیادین تری پرداخته است.

از نشانه‌های تصویری تا متن، دیگر به یک فیلم یا چند فیلم توجه نمی‌کند. در این کتاب بابک احمدی به فلسفه سینما به طور عام پرداخته است. او بااستفاده از نظرات سایر دیدمندان، به دلالت‌های تصویری در هنر مهم پرداخته است. این کتاب می‌تواند مایه توانایی بصری سینما آگاه کند و اینکه هنر مهم تا چه اندازه می‌تواند تاثیر گذار باشد.

بابک احمدی همچنین کتابی را در مورد ادبیره تارکوفسکی به نگارش در آورده است. او در این کتاب به نشش فیلم تارکوفسکی (با تأکید روی آینه) پرداخته است و نقش امید و ایمان را در آثار او به نمایش می‌گذارد. تارکوفسکی بعد از خواندن کتاب احمدی، برای مابعد تازاری پنا خواهد کرد.



او بعد از چندین سال پس از ساخت فیلم‌هایش، وقتی از آنها حرف می‌زند، همچان زده می‌شود و با شور و شوق حرف می‌زند.

گفت وگو با بیلی ویلدر ۹ فصل دارد و در این فصل مابعد تازاری را به مخاطب می‌دهد که جدا از اینکه مخاطب کتاب فیلم‌های او را دوست داشته یا نه، می‌تواند برای او جالب باشد. خبری اگر کسی خیلی هم سها لمان نداشته باشد، نام هم این کتاب می‌تواند برای او جالب باشد، چرا که ویلدر آن جهان جالب و صمیمی حرف می‌زند و از تجربه‌های زندگی‌اش می‌گوید که برای هر کسی می‌تواند جالب باشد. درست مثل خود فیلم‌های این کارگردان.

گفت وگو با بیلی ویلدر، توسط نشر پنجره منتشر شده است.

اهالی سینما: تألیف و ترجمه

سکانس های کتابی



برخی افراد تا عنوان سینما می آید یاد فیلم های گیشه ای می افتند و هنوز که هنوز است برای سینما آن شانی را قائل نیستند که برای پدیده هنرها گمان می کنند اهالی سینما آنچنان اهل کتاب نیستند و سوزنی که نگاهی به آثار منتشر شده از سوی اهالی سینما، نشان می دهد که دست کم در عرصه سینما موفق بوده اند که در عرصه فرهنگ کنی هم نکته هایی را به فرهنگ تصویری فیلم هایشان افزوده اند. در این نوشته به طور قطع نمی توانیم همه آثار منتشر شده را معرفی کنیم، چرا که معرفی همه این آثار به جایی بیشتر از آنچه ما در اختیار داریم، احتیاج دارد. آنچه در پی می آید فقط چکیده ای است از آثار منتشر شده از سوی اهالی هنرمند و اگر احیانا نامی از فلم افتاده باشد، پیشاپیش بوزش می طلبیم.

عباس کیارستمی: یک شاعر هایکوسرا

عباس کیارستمی فارغ التحصیل رشته نقاشی از دانشگاه تهران است.

هنر کلاسی آیدین آفنداشلو بود. کیارستمی تا آخر اداامه داد و مدرک کارشناسی اش را گرفت. اما آفنداشلو نیمه تمام رها کرد. آفنداشلو نقاشی و گرافیک شد و کیارستمی به سینما رو آورد. اما این همه کار نبود. عباس کیارستمی بعد از آنکه کلی فیلم تبلیغاتی و کوتاه ساخت، وارد عرصه فیلمسازی فیلم های بلند شد. با یکی از فیلم هایش، در جایی کن را مال خود کرد. کیارستمی از دیگر فعالیت های هنری کیارستمی است: کارگردان «طعم گیلان»، «مثل بسیاری از ایرانی ها عاشق» و «بیزه ای به شعر باغچه های عباس کیارستمی». این کتاب در سال ۱۳۸۹ و ۱۳۸۸ و ۱۳۸۷ و ۱۳۸۶ و ۱۳۸۵ و ۱۳۸۴ از سوی نشر هنر ایران منتشر شده. مقدمه کتاب توسط مرتضی کاشی نوشته شده و در شناسنامه کتاب می خوانیم که کیارستمی متولد ۱۳۱۹ است.

شعرهای مجموعه «همراه با یاد» کوتاه کوتاه است و اغلب کمتر از پانزده کلمه اند. همین نکته، شعرها را به هایکو شبیه می کند. ازبورد عسل مرده می ماند در میان هزاران شکوفه گیلان.»



سعید کیمیایی



داریوش میرجویی



مرتضی اوبی



عباس کیارستمی

سعید کیمیایی و زخم عقل

سعید کیمیایی در جریان همان خصمانی است که گفته می شود کیارستمی رقیب او برای ماهی آن علاقه دارند. او هم علاقه زیادی به شعر دارد و نوشته های مجموعه شعری است که تحت عنوان «زخم عقل» منتشر کرده. کیمیایی در این کتاب دقتا همان تصاویری را بیان می کند که در فیلم هایش به نمایش گذاشته است. هر چند این کتاب مورد استقبال بسیاری از علاقه مندان به شعر و کیمیایی قرار گرفت اما کار اصلی کارگردان «دندان مار» و «رومان دوچلندی اش سورت گرفت» این رمان «سندهای شیشه ای» نام دارد. وقتی جسدهای شیشه ای منتشر شد، دو اظهار نظر کاملاً متضاد در مورد این رمان و کیمیایی صورت گرفت. برخی آن قدر رقیبه کتاب شدند که با اظهار تأیید و ابراز عناد کردند. کیمیایی سرور کرد و باید دودتر از آنها نویسنده می شد. برخی هم چنان علاقه مند نشدند. آنها کیمیایی را فقط در سینما و فیلم هایش دوست داشتند.

درباره کتاب سینما

شماره ۲۲۲
۲۲ اردیبهشت ۱۳۸۶

شخصت در ایران با دیدن «هامون» به کتابخوانی علاقه پیدا کردند و «اسیا در برابر غرب»، «ابراهیم در آتش»، «دن و فن نگهداری موتوسیکلت» و «فرانی و زویی» را شناختند. «یونگ، عدلیان و انسان مدرن» یکی از کتاب های است که مهرجویی ترجمه کرده است. این کتاب که نوشته اکتویو مورنو است، یکی از کتاب های مرجع و اساسی روانکاوی است. مهرجویی این کتاب را در سال ۶۷ و در نشر مرکز به چاپ رساند.

«بعد زیبایی شناسی» دیگر کتاب ترجمه شده از سوی مهرجویی است. این کتاب، حتی از کتاب قبلی هم مشهورتر است، چرا که نویسنده آن، چه در ایران و چه در جهان بسیار مورد کرامت قرار گرفته است؛ هربرت مارگوزه، نویسنده ای که کتاب «انسان تک ساحتی»، کتاب بالینی بسیاری از روشنفکران ایران در دهه پنجاه از جمله شهید اوبی بوده است.

مهرجویی علاوه بر این دو ترجمه، فیلمنامه هایی را نیز منتشر کرده است. «آقای هالی»، «هامون»، «بری» و... از جمله این کتاب ها هستند. یک نکته دیگر اینکه، کارگردان «بری» یکی از کارگردان های است که بسیار به اقتباس ادبی علاقه مند است.



شهید مرتضی اوبی: آتشفشانی بی پایان

مرتضی اوبی کارشناس ارشد در رشته معماری بود. شاید به ظاهر رشته تحصیلی او با کارش، مغفرت باشد اما بر هیچکس پوشیده نیست که زیبایی شناسی تصویری او، ارتباط عمیقی با رشته تحصیلی اش دارد. او که یکی از جوانان کتابخوان هاده پنجاه بود، آنقدر مشغول برنامه مددکار روایت فتح شد که هرگز فرصت نکرد در زمان حیات، کتابی از خود منتشر کند.

مجموعه مقاله های سینمایی اوبی، چند سال بعد از او توسط نشر سانی منتشر شد. این مجموعه که شامل چهار جلد می شود، «اینه جادو، مقالات سینمایی» نام دارد. هر چند این یادداشت ها هرگز برای چاپ در کتاب نوشته و ویرایش نشده اند، اما نشان از ذهن خلاق شهید اوبی دارند. کسی که اگر بود، قطعاً کتاب های تئوریک بیشتری را به سینمای ایران اهدا می کرد.

کیومرث پوراحمد: خاطره نویسی

نام پوراحمد را بعد از اوبی آوردیم، چرا که دوستی این دو، در کتاب «کودکی نیمه تمام» به خوبی مشهود است. کیومرث پوراحمد، از دستیارهای نادر ابراهیمی بوده است. آن هم در فیلمی که یک اقتباس ادبی است؛ «آتش بدون دوده» که شروع این کارگردان سینما است. این تجربه و فیلم های بعدی پوراحمد مثل «خواهران غریب» نشان می دهد که او شیفته ادبیات است. همه اینها را کتاب نسبتاً فظور «کودکی نیمه تمام» تمام می کند. پوراحمد در این کتاب، سرگذشت ورودش به سینما و سپس ادامه آن را، توصیف می کند. «کودکی نیمه تمام» از دو وجه قابل توجه است؛ نخست نثر پوراحمد که خواننده را جذب می کند و دوم تجربه های او برای بسیاری از خوانندگان و از جمله سینماگران جوان جالب خواهد بود.

محمد صالح علا: یک کتاب سفید

با اینکه محمد صالح علا شعر می گوید و جزو آن دسته از سینماگرانی است که دستی در نوشتن دارد، هنوز هیچ کتاب شعر مستقلی از او به چاپ نرسیده است. اما صالح علا یک کتاب روایتنامی دارد با عنوان «آنچه مردان دربارہ زمان می دانند». این کتاب که یادم نیست چند صفحه است، حقایق زیادی را با خوانندگان خود در میان می گذارد. تمام صفحه های «آنچه زنان دربارہ مردان می دانند» سفید است.

حتی شماره صفحه هم ندارد.

ارویش مؤذیبان سینما و تئاتر

داریوش مؤذیبان یکی از تحصیلکرده‌های سینمای ماست. او سابقه تدریس در دانشگاه‌های ایران را نیز در سابقه کاری خود دارد. با اینکه مؤذیبان چند فیلم ساخته است، اما چهارده عنوان کتاب منتشر شده از سوی او، بیشتر به نمایش و ادبیات نمایشی معطوف است. او دبیر مجموعه «پنتر آوران» جهان بوده و در عرصه ترجمه نمایش

و کتاب‌های تکنیک بازیگری همواره فعال و پربلاش بوده است. شاید همین علاقه و فعالیت مؤذیبان در بخش نگارش ترجمه و تئاتر است که حضورش را در سینما، حرفه‌ای کار رنگ کرده باشد.

ایرج کریمی: منتقدی که سینماهایش

ایرج کریمی جزو یکی از منتقدان با سابقه سینمایی ماست. نقدها و تحلیل‌های او در مجله فیلم، تا سال‌ها داد ذهن‌ها می‌ماند. اما چند سال قبل ایرج کریمی، نقدنویسی از شغل حاشیه‌ای‌اش قرار داد و سراغ فیلم ساختن رفت. او در فیلم‌های «از کنار هم می‌گذریم»، «چند تار مو» و «یاغ کندلوس»، چندان موفق نبود و است و بسیاری پذیرفتند که منتقدها سینماگران شکست خود نیستند و می‌توانند خود وارد عرصه عملی فیلمسازی نیز شوند.

هر چند که کریمی در چند سال اخیر کتابی منتشر کرده، اما ترجمه‌های پیشین وی در ذهن‌ها می‌ماند و بسیاری از او علاقه‌مندان کتاب‌های او را بارها و بارها می‌خوانند. از این میان کتاب «شناخت سینما» نوشته لوئیس جانتی ترجمه ایرج کریمی، جایگاه ویژه‌تری دارد.

محمدعلی سجادی:

رمان نویسی و شاعر

محمدعلی سجادی جزو آن دسته از کارگردان‌هایی است که به خوش‌ساخت بودن و در عین حال پرتماشاگر بودن کارهایش بسیار بها می‌دهد. شاید بسیاری از مخاطبان کارهای او ندانند که کارگردان درنگ‌شپ رمان و شاعر هم می‌نویسد.

رمان «حیرانی» یکی از کارهای اوست که چند سال قبل، کارگردان «تپری» آن را به چاپ رساند. او بخش دوم این رمان را نیز آماده چاپ دارد و علاوه بر این مجموعه شعر «سرخرمگی» و «داغستان» نیز از این کارگردان چاپ شده است. سجادی هنوز هم می‌نویسد و می‌سازد و این کتاب‌ها فقط بخشی از کارهای او هستند. «چه کسی روحا را کشت؟»، «دل‌م برایت می‌تپد»، «گیسو به چهار فصل»، و «خاتو زین» از دیگر کتاب‌های این کارگردان است.

نکی کریمی: براندو و ترجمه

وقتی این بازیگر در سال ۱۳۷۰ با فیلم «عروس» ساخته بهروز اخعی وارد سینما شد، کمتر کسی جسدی می‌زد که حضور او این مدت طول و علاوه بر آن، بازیگر جوان «عروس» استثنیی هم در ترجمه و کارگردانی فیلم بالا بزند. اما نکی کریمی از چند سال قبل نشان داد که به غیر از بازیگری، به عرصه‌های دیگر فرهنگ هم می‌اندیشد. شاید اولین کار متفاوتش نسبت به بازیگری، ترجمه زندگی‌نامه مارلون براندو

از سوی او باشد. این کتاب تحت عنوان «آوازی‌های که مادرم به من آموخت» در سال ۱۳۸۰ به چاپ رسید.

در سال ۱۳۸۳ کتاب دیگری هم با ترجمه این بازیگر سینما منتشر شد. منتها این بار کتاب او هیچ ربطی به سینما نداشت و رمانی بود از «حقیق قریشی» تحت عنوان «فردیکی». این را هم فراموش نکنیم که کریمی در این فاصله علاوه بر کارگردانی یک فیلم که به بخش مسابقه جشنواره کن راه یافته یکی از تصویربرداران یک مستند از عباس گیارستنی هم بوده است. مستندی که در مورد تجربه ساخته شده است.

مرجان شیرمحمدی: قصه نویس اجتماعی

نکی کریمی تنها زن بازیگر سینمای ایران نیست که علاوه بر بازیگری، نوشتن را هم تجربه کرده است. مرجان شیرمحمدی، لایا حاتمى و آهو نورمند هم تجربه‌هایی در این عرصه داشته‌اند. اما از این میان، مرجان شیرمحمدی قدری با دیگران متفاوت است. او برخلاف چند نفر دیگری که نام برده شد، ترجمه نمی‌کند، بلکه خود قصه می‌نویسد.

اولین تجربه شیرمحمدی با عنوان «بعد از آن شب» برنده بهترین مجموعه داستان بنیاد هوشنگ گلشیری در سال ۱۳۸۰ شد. این کتاب که از سوی نشر مرکز چاپ شده بود، موفق شد که در سال ۱۳۸۳ به چاپ چهارم برسد. موفقیت «بعد از آن شب» اینقدر بود که رسول صدرعاملی بر آن شد که از روی یکی از قصه‌های کتاب، اقتباسی کند. «دیشب بابانو دیدم آید» بر اساس قصه «بابای نورا» ساخته شده است. این فیلم شیرمحمدی در سال ۱۳۸۳، «یک جای امن» را که شامل هفت قصه کوتاه بود، منتشر کرد. اما این مجموعه هرگز به موفقیت مجموعه قصه اول او نرسید.

لیلا حاتمى: تجسمی و فیلمنامه

شاید از میان این بازیگران نامبرده، دین اسم لایا حاتمى به عنوان نویسنده یا مترجم باورکردنی تر باشد. پدر او علی حاتمى، جزو یکی از کارگردان‌های تاثیرگذار سینمای ایران است. لایا حاتمى در یک خانواده فرهنگی رشد کرده است و این نکته سبب می‌شود که با تعجب کمتری نام او را به عنوان مؤلف یا مترجم ببینیم. حاتمى دو نوع کتاب ترجمه کرده است. فیلمنامه‌ها و دریاچه هنرهای تجسمی. «شب افتتاح» یکی از فیلمنامه‌هایی است که توسط نشر نی و زیر عنوان «صد فیلمنامه». صد سال سینما» به چاپ رسید. نویسنده این ترجمه، جهان کاماوتیس است.

دیگر کتاب حاتمى هم یک ترجمه است: «شش گفت وگو با پینکاس» که توسط دانیل هائزى کان وایلر انجام شده است. جالب آنکه این کتاب هم، جزو یکی از ده کتابی است که در یک مجموعه و تحت عنوان مجموعه هنرهای تجسمی «معاصر» و با دبیری لیلی گلستان منتشر شده است.

آهو خردمند: ترجمه نمایشنامه های نیل سایمون

آهو خردمند، تاکنون دو نمایشنامه از نیل سایمون و سام شپارد را به فارسی برگردانده و در نظر دارد، چند عنوان دیگر از نمایشنامه‌های نیل سایمون را منتشر کند. «کودک مدفون»، نوشته تام شپارد است و «سپران آفتاب» نوشته نیل سایمون. قطعا سینماگران دیگری نیز هستند که کتاب منتشر کرده‌اند. اما به حال کمبود جا، این نکته را دشوار می‌کند که همه این سینماگران و کتابپیشان معرفی شود. این نوشته فقط آغازی است بر کتابشناسی سینماگران ایرانی.



لوئیس بونوتل و سه فیلمنامه

لوئیس بونوتل یکی از کارگردان‌های جریان‌ساز سینماست. هر چند که بعد از گذشت چند دهه، فیلم‌های او دیگر اثرگذار محسوب نمی‌شوند و جزو کلاسیک‌های سینما به حساب می‌آیند، با این همه هنوز هم دیدن فیلم‌های بونوتل، می‌تواند درس‌های زیادی برای علاقه‌مندان به تفریحی در سینما داشته باشد. با توجه به اینکه مدت زیادی از ساخت فیلم‌های او می‌گذرد، بیشتر این فیلم‌ها در دسترس نیستند و باید منتظر ماند تا یکی از شبکه‌های تلویزیونی، یکی از فیلم‌های او را بعد از مدت‌ها نشان دهد. در این شرایط، خواندن فیلمنامه‌های بونوتل می‌تواند سه مرتب داشته باشد. اول اینکه علاقه‌مندان به بونوتل می‌توانند با داستان فیلم‌های او آشنا شوند. دوم اینکه آنها می‌توانند با ساختار فیلمنامه‌های این کارگردان آشنا شوند و سوم اینکه، آشنایی با آثار بونوتل می‌تواند سبب آشنایی با سوزن‌تاسم سینمایی شود.

لوئیس بونوتل، سه فیلمنامه، مشتمل بر سه فیلمنامه از این کارگردان است که مترجمان آن را در یک کتاب جمع کرده‌اند. حرفته فاکتنده ترجمه متفائل، «نازیرین» ترجمه گیلدا ایراتللو و شمعون صحره» ترجمه پیام یزدانجو. آنچه که این سه فیلمنامه را در بستری منسجم به هم پیوند می‌دهد، نه فقط نگاه سوزن‌تاسنی و سرخوشانه لوئیس بونوتل در ثبت رویدادهایی نامعمول و بی‌دلیل به شیوه‌ای معمول، بلکه مواجهه او با مضامین کهن و رداشتن خواننده و بیننده به دیدن از زاویه‌ای دیگر است. بونوتل در این سه فیلمنامه به مضمون آیمان و نهالی آستان می‌پردازد همچنین او در «حرفته فاکتنده» به نقد جامعه سرمایه‌مداری می‌پردازد. نکته‌ای که در فیلم‌های دیگرش از جمله «جولیت» نهال پروژواری نیز به این مضمون پرداخته است.

این کتاب توسط نشر نیگرو و در ۲۲۰ صفحه منتشر شده است.

یادداشت

فراتر آریا

بزرگ میشم، یادم می‌ره!

مطالعه، مقوله هیجان‌انگیزی است. به ویژه اگر بچه هم باشی و بایه دست گرفتن کتاب‌های جیمیم بخواهی به همه ثابت کنی که بابا دیگه بزرگ شدم! هیجان‌انگیزتر هم هنگامی است که نظر یک کتاب از استخوان میج دست‌های کوچکت بیشتر باشد و برای برداشتن اون کتاب مجبور بشی از دو تا دستت کمک بگیری.

بچه که یوادم به تقلید از بزرگترهای خودم چند تا کتاب سنگین وزن را برای اقامت جمع می‌کردم و دست بر قضا اگر میمانی از راه می‌رسید و نگاه می‌انانی می‌انداخت، کتاب‌ها نوجوش را جلب می‌کرد، بعد با چشم‌های ورق‌فیمیده می‌رسید: تو این کتاب‌ها رو می‌خونی؟ من هم با پررویی به چشم‌هایش نگاه می‌کردم و با یک‌بله کشدار می‌گفتم: «همه شو.»

او هم با نگاهی تردیدآمیز سر تکان می‌داد و می‌رفت. اما بعد با خود می‌گفتم: عجب کاری کردم! آگه دربارۀ «شخصیت‌ها» از من سوال می‌کرد، با این نصف زبونم چه جوابی می‌دادم؟!

نازه با کلمه «شخصیت» آشنا شده

بودم: از این و از اون و…

ولی عجب، سعی می‌کردم خودم را از تنگ و تا نیندازم و همه چیز را فراموش کنم. بعد به خودم دلداری می‌دادم: چیزی نیست، بزرگ می‌شیم، یادم میره!

اون کتاب درشته همان برنکای معروف بود. دو سال پس از اون ماجرا توانستم کتاب را بخوانم و چه احساس قشنگی در من شعله‌ور کرد.

آرام آرام کتاب را می‌خواندم و بعد به کتابی می‌گذاشتم. حالا دیگه در ذهنم، من شخصیت آن کتاب بودم، تو، مادرنی با

لباس‌های آن چنانی برسه می‌زدم و به رنگایی که اصلا وجود نداشت می‌محلی می‌کردم. تصویر کشید یک خانم کوچکولو در یک قصر بزرگ چقدر رویایی و

دست‌نیافتنی است.

بعدها که این احساس در من قوی‌تر شد، پول توجیبی هامو جمع کردم تا کتاب بخرم. اولین کتابی که خریدم «فرز و تعصب» بود و چه کتابی بود…

آه اون روزها از کتاب‌هایی مثل «مازنین» خسته شده بودم. می‌خواستم چیزهای عجیب و غریب رو کشف کنم. همیشه می‌دیدم و می‌شنیدم که بزرگترهایم از نوسنده‌های خیلی بزرگ حرف می‌زنند. اما چرا من نزنم؟ آنهاهی که در خلوت حتی اسم هایشان را اشتباهی تلفظ می‌کردم و چه اتفاقی می‌شد اگر دیگران اشتباهات منو می‌فهمیدند؟

همیشه دوست داشتم شخصیت‌های مورد علاقه‌ام را واقعی ببینم. فکر می‌کردم دنیا عوض می‌شه. وقتی «اسکارلت» درون کتاب را در فیلم به شکل واقعی دیدم، واقعاً دنیا عوض شد.

حالا که مدت‌ها از آن دوره سپری شده، تلخی و شیرینی‌های دوران کودکی ام را می‌خوبی به خاطر نمی‌آورم ولی آن لذات در وجودم ماندگار شدند و هنوز طعم شیرین آن را در وجودم حس می‌کنم، به طوری که تا به امروز گرفتار شدم و به قول معروف پاسوخته و باگیرش شدم. درسته که بزرگ شدم ولی یادم نرفته!



لوئیس بونوتل

۹

شماره ۲۲۲
۲۲ سپتامبر ۱۳۸۴

۲۲ سپتامبر ۱۳۸۴

۲۲ سپتامبر ۱۳۸۴

۲۲ سپتامبر ۱۳۸۴



الهام محمودی

الهام محمودی در جشنوارهٔ فیلم «گل» در شیراز

الهام محمودی در جشنوارهٔ فیلم «گل» در شیراز

اخیرا چه کتاب‌هایی را مطالعه کرده‌؟
سخت‌ترین پرسش ممکن را از من کردید...

چطور؟

بگذار پیش از پاسخ به سوالت خاطره‌ای برایت تعریف کنم. ده دوازده سال پیش برای نخستین بار در جشنواره کن حضور پیدا کردم. به خاطر نمایش فیلم «گل» به غیر از من، گیارش عیاری همراه با فیلم زیبای «آن سوی آن سوی آنس» هم حضور داشتند. سیمنا ایوان مطرح شده بود و حسین کرگوان خیلی دوست داشتند پیشش نریزه ما بیایند. شب کارگزارش به خاطر حضورش در سیمناهی آزاد، فیلم زیاد دیده بود و کارگردانان زیادی را می‌شناخت. بنابراین برای پاسخ به سوالات آماده بود ولی من خود خدامی کردم که از من درباره این مسائل سوالاتی بکنند، چون واقعا زیاد فیلم ندیده بودم. به هر جهت از من درباره فیلم و کارگردان مورد علاقه‌ام پرسیدند و من هم پاسخ دادم. چهارصد ضربه فرانسوا تروفو، فیلم آن را ندیده بودم و فقط اسم چهارصد ضربه را دیده‌ام شنیده بودم. فیلم هم یک کتاب درباره روبر پرسون که توسط بانک احمدی نوشته شده و کتاب خوبی هم هست، خوانده بودم و در کنار آن در مساجده قسم روبر پرسون را هم آوردم.

بعد از ده سال فیلم چهارصد ضربه را در یک جایی به نمایش گذاشتند و برای اولین بار فیلم را دیدم. لحظات طریف در فیلم وجود داشت که به فیلم انگاره زدیک بود. بعد با خودم گفتم که ده دوازده سال پیش آروبی خود را دیدم. حال‌ام خواهم به پرسش شما برسم که بدون اغراق بگویم به غیر از کتاب‌هایی که در زمان فرسی خوانده‌ام، شاید پنجاه تا کتاب در عصرم خوانده باشم!

چرا؟

به خاطر اینکه افکار و ایده‌های خاصی دارم. در برخی از مصاحبه‌های تلخ از کشور همین سوال را مطرح می‌کنند که تو که کتاب نمی‌خونی، نمی‌توانی به دیگران دربارهٔ مسائل صحبت می‌کنی و درباره آن مطلبی از من نمی‌گویم. چه اطلاعاتی من آسمان است. هر پرسش، مثلا چه جور می‌کنی؟ گویم: نظرم آن نیست که من وحی الهام می‌دهد. من در کلک من به آسمان نگاه می‌کنم و می‌بینم که در طول سال‌ها من از این سوی آسمان به سوی دیگر حرکت می‌کنم. آن قدر فکر می‌کنم و آنقدر نگاه می‌کنم و از خودم می‌پرسم که این ماه به این بزرگی راجه کسی حرکت می‌دهد. اصلا چرا راهم گردش است؟ چرا این گوزین که ما در آن زندگی می‌کنیم، در هوا معلق است و یک شب در چاه‌ها ریزد؟ که گفتند: امشب قطب‌ها یازان است، و بعد ساعت‌ها درباره آن فکر کردم که این سنگ‌های نورانی را که با چندها میلیون کیلومتر با فاصله به طرف زمین می‌آیند، چه کسی برایش می‌کند، چگونه برتاب می‌زند و چرا اصلا به پایین می‌آیند؟ اتفاقا یا خود جاذبه و جاذبات می‌کنم و مجموعه این ها منبع اطلاعاتی من می‌شود و یک چیزهایی را دریافت می‌کنند که هیچ وقت قبلا اطلاعی از آن نداشتیم، می‌دانیم بهترین

الهام محمودی در جشنوارهٔ فیلم «گل» در شیراز

الهام محمودی در جشنوارهٔ فیلم «گل» در شیراز

الهام محمودی در جشنوارهٔ فیلم «گل» در شیراز

الهام محمودی در جشنوارهٔ فیلم «گل» در شیراز

الهام محمودی در جشنوارهٔ فیلم «گل» در شیراز

الهام محمودی در جشنوارهٔ فیلم «گل» در شیراز

الهام محمودی در جشنوارهٔ فیلم «گل» در شیراز

الهام محمودی در جشنوارهٔ فیلم «گل» در شیراز

الهام محمودی در جشنوارهٔ فیلم «گل» در شیراز

الهام محمودی در جشنوارهٔ فیلم «گل» در شیراز

الهام محمودی در جشنوارهٔ فیلم «گل» در شیراز

الهام محمودی در جشنوارهٔ فیلم «گل» در شیراز

الهام محمودی در جشنوارهٔ فیلم «گل» در شیراز

الهام محمودی در جشنوارهٔ فیلم «گل» در شیراز

الهام محمودی در جشنوارهٔ فیلم «گل» در شیراز

الهام محمودی در جشنوارهٔ فیلم «گل» در شیراز

الهام محمودی در جشنوارهٔ فیلم «گل» در شیراز

الهام محمودی در جشنوارهٔ فیلم «گل» در شیراز

الهام محمودی در جشنوارهٔ فیلم «گل» در شیراز

الهام محمودی در جشنوارهٔ فیلم «گل» در شیراز

الهام محمودی در جشنوارهٔ فیلم «گل» در شیراز

الهام محمودی در جشنوارهٔ فیلم «گل» در شیراز

الهام محمودی در جشنوارهٔ فیلم «گل» در شیراز

الهام محمودی در جشنوارهٔ فیلم «گل» در شیراز

الهام محمودی در جشنوارهٔ فیلم «گل» در شیراز

الهام محمودی در جشنوارهٔ فیلم «گل» در شیراز

الهام محمودی در جشنوارهٔ فیلم «گل» در شیراز

الهام محمودی در جشنوارهٔ فیلم «گل» در شیراز

الهام محمودی در جشنوارهٔ فیلم «گل» در شیراز

الهام محمودی در جشنوارهٔ فیلم «گل» در شیراز

الهام محمودی در جشنوارهٔ فیلم «گل» در شیراز

الهام محمودی در جشنوارهٔ فیلم «گل» در شیراز

الهام محمودی در جشنوارهٔ فیلم «گل» در شیراز

مصاحبه‌های من در کشور هلند و ژاپن برپا می‌شود.

از چه نظر؟

از این نظر که در هلند خبرنگاران بیشتر آلمانی هستند. اطلاعات خوبی دربارهٔ فلسفه دارند. سوالات آنها وارد می‌کند دربارهٔ مسائل فلسفی که اصلا درباره‌اش مطالعه ندارم ولی حسی در کش می‌کنم. صحبت کنم. در ژاپن هم با فیلم هلم ارتباط خوبی برقرار می‌کنند و خیلی از رویه کاری‌های فیلم‌ها را بیرون می‌کشند و بعد مجبور می‌شوم با آنها وارد بحث شوم.



مصاحبه‌های من در کشور هلند و ژاپن برپا می‌شود.

از چه نظر؟

اتفاقا یک بار یک دوست به من گفت: دوز کبرین اشکال تو این است که خیلی سپیدایی! چون کتاب نمی‌خونی، گفته‌ام اگر تو همه کتاب‌های دنیا را هم بخوانی، به اندازه تمام نویسندگان آن کتاب‌ها چیزی نمی‌فهمی و تازه اگر همه آنها را بفهمی، ولی من وقتی به آسمان نگاه می‌کنم، چیزی را درک و حسی نمی‌کنم که به اندازه تمام کتاب‌هایی که خوانده‌ای برابری کند.

حالا دربارهٔ آن پنجاه تا کتاب صحبت کنید.

به طور دقیق نمی‌توانم بگویم ۵۰ کتاب، شاید ۸۰ تا یا شاید هم ۵۲ تا.

زیاد تعدادش مهم نیست.

ملا همه کتاب‌های جلال آل احمد را خوانده‌ام.

حس سنگی پر گوهری را؟

بله و با گذشت‌ها فکر از خیلی دوست داشتمش. به هر حال به طرز عجیبی با او ارتباط برقرار می‌کنم.

پرواز جماعت دوهزار جلدی!

محمدعلی سجادی

یک یادداشت، برای من ادبیات گریز است. وقتی سینما با همه محدودیت‌هایش - امکانات و محدودیت‌های نظریه‌پرداز در اینجا البته - مرا به ستاره می‌آورد، شعر و داستان و... پناهی می‌شود. پروازی، هر چند همین پناهنده، خودش می‌پناه می‌دهد. در داستان گفتنی که با می‌توان کرد آن پناهنده‌ها، نان می‌خورند. آدم‌های کتاب اول و دوم، یک است که دارد در گنج‌های سینمای خود می‌خورد و ژورنل در انتظار سلاخی رابطهٔ ادبیات و سینما البته فقط این نیست در این اوضاع غیرانگیز اما حجم کتاب‌های سینمایی در این سال‌ها به نسبت قابل قبول و خوب بوده است. همین که فیلم‌نویسته‌ها یا چاپ آثار داخلی و خارجی در نزد سینما دوسمان و سینما یوتیوان و سینماچیان اهمیت خودش را پیدا کرده است تا آنجا که حتی جمله فیلم‌نگار با همین ضرورت بروی پیشخوان می‌آید، خودش دلگرمی است. در کنارش کتاب‌های بنده و پستان‌های نقادانه هم چاپ می‌شود که برای امزش خوب است. به ویژه چاپ کتاب ارزشمند گفت و گو با ییللی ایلدیز از سوی نشر پنجره اتفاق فکشنگی بود برای من و امثال من که حرف‌های ساده و بیش‌دار استاد جذاب است.

و اما نکته آخر از همین ستاره‌گی می‌آید. چاپ این همه کتاب برای یک جمع لاکه که آن و داده‌شان معلوم است سخت سنگین است. ما جماعت دوهزار جلدی باید این همه کتاب خریدیم در همه کتاب‌هایم. در یک جایی کتاب دربارهٔ سینما و ادبیات حرف‌نویزم و رنگ نویسیه. آنقدر که خواننده همه چیز را جدی بگیریم و به جنگ آسباب‌های بنای برویم. حجم کتاب‌های تئوریک و مهم فقط شاید این خطر را داشته باشد. که جلدی بودن را با عوس بودن یکی بگیریم و وقتی به سراغ آن که در جیب دیگران هست می‌رویم. منظوم خوبی هست - نهایت‌تسخیر به لب‌آوریم و به پناه امنیت هر و ادبیات و آسان و از این حرف‌های قلبه سلبه که می‌وزان و متفادان را در جاهایی به وصل می‌رساند. طراوت و سوزندگی از آثار ادبی و سینمایی خط برتین فضایی فراهم شود که دانش‌جویان ادبی و سینمایی می‌توانند در مداخلشان را بگیرند و وقتی او به جمع برمی‌گردد، دماغ و گوش‌شان را بگیرند و دهانشان بچینند. جای‌داره از خوبی بگویم که در روز ملاحدت دیدم. دیدم استاد داستان زنده‌یاد احمد محمود عزیز که دستنگ بود، زنده‌یاد محمود رمزگان ساده این اتحاد ما بین ادبیات و سینما بود. عاشق سینما ولی ادیب. در هر سطر او این عشق به سینما موج می‌زند. چرا که از او آموختیم که باید دماغت را بگیرنی و گوش‌ات را هم، حتی اگر بوی و تکراری دروغ بخوازد!

خیلی پر رمز و راز صحبت می‌کنید!

نمی‌دانم زبانی می‌خواستم در طویزون درباره زندگی چند هزرتدم فیلم بسازم که با آن معالقت شد کسی استاد شجریان بود و دیگری جلال آل احمد. در آن زمان خانوادشوروا من پرسید: بگذر جلال را می‌شناسی؟ گفته‌ام: قدر او را نمی‌شناسم که فکر کنم از شما هم بیشتر بشناسیم. البته شاید ایشان این گفت‌و گو را به خاطر بی‌ادب بود، چون مدت ها از آن زمان می‌گذرد.

گفته‌به طوری که حتی می‌توانم خصوصیات درونی اش را بیان کنم.

در چند سالگی با آتارش آشنا شدید؟

سن و سال کسی نداشتیم. بیست ساله بودم. وقتی آدم کسی را دوست دارد، وجودش با او یکی می‌شود و قلب او می‌شود قلب خودش. از سوی دیگر آثار احمد محمود را دوست دارم. به نظرم پیش از اینکه محمود نویسنده باشد کارگردان است. یعنی هر کارگردانی می‌تواند نوشته‌های محمود را برای فیلمسازی بخواند و از آنها یادگیری کند. مثلا همین کتاب زوینم سوخته اش، اصلا یک فیلم است. از دیگر سو، حافظ و سعدی را آن قدر دوست دارم به طوری که تنها کسانی هستند که به آنها حسادت می‌کنم.

همیشه از من سوال می‌کنند که کی‌بده‌های سینمای ما چیست؟
اگر خودشان دارند، چرا من نذارم! اگر می‌گذاشتی، چرا در می‌نگذاشتی؟ اینکه پس از هفتصد سال فقط یک بیت از شعر حافظ، هنوز غوغا برپا می‌کند و جهان در برابر درک معنای آن همچنان ناتوان است. این از چه ناشی می‌شود؟.. کلام حافظ و سعدی ماندگارند این به نظر فطرت برانگیز است.

همیشه از من سوال می‌کنند که کی‌بده‌های سینمای ما چیست؟
می‌گویم: اگر نظارت‌ران امکانات فنی است، به نظرم کمبود داریم. ولی کمبود اصلی، ما نمی‌توانیم، البته، است. ما مناسبات مانع فنی خوبی از وایی همچون حافظ و سعدی داریم. ولی به سرکشگی رسیده‌ایم.

آن وقت می‌گویند آیا بهتر نیست کتاب‌های خارجی را وارد ایران کنیم، البته با خیلی خوب است. ولی خودمان! آیا بهتر نیست در نمایشگاه کتاب اشعار حافظ و سعدی را در قطعات کوچک چاپ کنیم و بعد به طرز رایگان در اختیار مردم قرار دهیم. میلیون‌ها تومان پول خرج می‌شود ولی ده سال چند میلیارد کار حرف شما درست است ولی می‌بریم.

از نظر حمواتی کار حرف شما درست است ولی تکنیک چه می‌شود؟

زیاده به تکنیک اهمیت نمی‌دهم. معتقدم وقتی حافظ شعر به این

زیبایی سرایند، تکنیک آن هم درجه یک است.

ولی او نابغه است.

بله ولی هر محترمی، تکنیک خودش را همراه دارد و فقط حافظ نیست؛ سعدی، مولوی، عراقی و...

درست ولی تعداد آنها محدود است.

بالاخره ما دربارهٔ انسان‌های سخن می‌گوییم. به ما زاری‌ای، آنها به این کشف و شهود رسیده‌اند، ما هم باید برسیم. وقتی کشف کنیم، شما همین اتفاق‌خود را به سرتان هم توصیه می‌کنم؟

عجب وقت اهل آزادان! نخست کردن نشستم من ادعایم کنم

که چیزی می‌دانم. حتی آنهاهی که به مقامشان رسیده‌اند، خودشان

معتقدند که چیزی نمی‌دانند.

مخصوصا به پرسه که در سنی است که هیچ نوع توضیحی را نمی‌پذیرد. ضمن اینکه خانواده‌ها به دلیل مسائل کاری خیلی نمی‌تواند مثل خانواده‌های سنی دور هم بنشینند یا هم‌دیگر صحبت کنند.

بعدا اینکه فقط حافظ می‌تواند از خودش تعریف کند. او می‌گوید:

قدسیان شعر حافظ از بر کنند.

محمد از بر کنند.

هر جامعه هنری فرهنگ کتاب نخواندن یک گناه تاب‌بخشندونی محسوب می‌شود حتی آنهاهی که کتاب نمی‌خوانند. نظاره به کتابخوانی می‌کنند. در این صورت با صداقت شما چه کنیم؟

یک زمانی فکر می‌کردم آنهاهی که دلما از خوبی‌ها و فضایل صحبت می‌کنند، واقعا خوب هستند و فاضل ولی بعدها فهمیدم که سختگویی هر سخن الزاما اصل است. آن سخن دوستی و در آن مقام نمی‌گنجد. مهم این است که آدم از نظر شخصی و درونی به آن درجه از فهم و شناخت برسد. من حیثهٔ این جمله قصیر سوره محمد از حضرت ام‌المؤمنه (ا) درست دارم و به نظرم خیرتر است. و فرق الهام است. اینکه عارف محضر است. اگر هم کسی واقعا به همین معنای آن برسد، زندگی، نگاهش و تمام سیر زندگی اش دگرگون می‌شود.



سجاد صاحبان زند

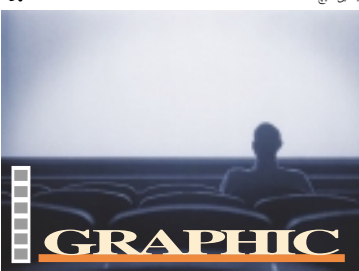
گزارش

گرافیک و طرح جلد کتاب‌های سینمایی

روی جلد کاغذی

کم‌کارها می‌شود. این برخورد مستقیم، نه تنها در طرح جلد کتاب انجام می‌گیرد که در عرصه‌های دیگر از جمله در پوسته‌های شامه او برخورد هشیب.
او در توضیح حرف‌هایش، استفاده از عکس بازیگران مطرح سینما را سهل‌الوصول‌ترین راه برای جذاب شدن جلد کتاب می‌داند و آن را ساده‌ترین راه رسیدن به یک طراحی جلد قلمداد می‌کند.
صیغوری در ادامه می‌گوید: البته استفاده از پرتره لزوماً بد نیست و به زوایه دیدطراح برمی‌گردد.من برای طراحی جلد کتاب‌های سینمایی، سعی می‌کنم که به فضای اثر نزدیک شوم و آنسفر فکلی کتاب را در ترجمه شخصی صبرنام می‌کنم که از طریق جلد داشته باشم.
صیغوری تأکید می‌کند که از وزن آنسفر فضای کتاب برای او خیلی مهم است، و در پاسخ به این پرسش که با ناشران در این زمینه به مشکلی برخورداده‌ای می‌گوید:در این سال‌ها سبکی در طرح جلد کتاب‌هایاب شده که در برخی از موارد، خود من آغازکننده بودهام. ناشران هم با توجه به نوع کار من، سراغم می‌آیند در نتیجه معمولاً به مشکلی بر نمی‌خوردم.

حسن‌کریم زاده عکس، جذابیت و سوادبصری
کریم زاده وقتی سوال‌هایم را از طریق فلن‌شاید، ترجیح می‌دهد که چند دقیقه بعد جواب دهد. کمتر از یک ساعت، او جویش را که چاپ شده و منظم است، نکس می‌کند. جواب او را می‌تافل می‌کنم، اصولاً طراح گرافیک برای خلق روی جلد یک کتاب همان مراسم را پیش می‌برد که در میزان جعبه یک فرآورده خوراکی یا یک



محصول الکترونیکی انجام می‌دهد، با این تفاوت اساسی که در طراحی روی جلد کتاب، علاوه بر ظاهر، مفهوم نیز در آن دخیل است. یعنی طراح باید ظاهر و باطن را یکجا و در یک لباس ارائه دهد.

وی می‌گوید: علاوه بر تسلط به مباحث تصویری که به عنوان اصول بنیادین آثار تخصصی محسوب می‌شوند، بهره‌گیری مناسب از آنها، بایستی در فضای محتوایی کتاب نیز قرار گیرد. حال این امر

می‌تواند از طریق توضیحات شاهی مؤلف یا مترجم و یا مطالعه کتاب صورت پذیرد. اگر در اینجا تلاش مفهومی اثر را قانقتر بگیریم، برای جذابیت طرح جلد کتاب از راه‌های مجاری متعددی از قبیل حذف سطح رنگی‌باشد، ریم و کنترول‌سیورن در اختیار طراح گرافیک است که باید با سوادجویی از آنها کارگرم نشانادن یک با کعبه عنصر ذکر شده، به دستمایه این گفت‌وگو یعنی جذابیت بصری جلد نزدیک شود. بدیهی است که جذاب بودن یا به بیانی بهتر جذاب کردن یک جلد در کنار رنگ‌های متعدد در جلدهای دیگر که در دیرین کابفروشی‌ها خودنمایی می‌کنند، کار بس دشواری است که باز هم تأکید می‌کنم تنها از عهده گرافستی بر می‌آید که از عوامل مختلفی نظیر جامعه‌شناسی، روانشناسی، رنگ‌چشناسی، محافظ عام و خاص نفوذ کند.
در مورد کتاب‌های سینمایی (به طور خاص) مهم عواملی که عرض کردم موثر هستند، اما نباید مکرر نقش مثبت «عکس» در آنها شد، چرا که امروز عکس، برادری خود را به گرافیک ثابت کرده و همشین خوبی برایش بوده است، تصویر کشید اگر قرار باشد من، طراح، جلد کتاب را ادواین کنم که در فرض مثال در برگزیده زندگی‌نامه و فیلم‌شناسی آل پاچینو است. هیچ عنصر دیگری نمی‌تواند جای عکس پرتره آل پاچینو را پر کند. در اینجا، محافظ طرفدار سینما یا دیدن این جلد، مستقیماً به همان راهی سوق داده خواهد شد که مؤلف با خود من مدنظر نام بوده است، باز اینجا،

اسم سینما عامل جذابیت است و علاقه‌مندان به سینما که در ایران چندان کم نیستند، این هنر را به طور دقیق و جدی پیگیری می‌کنند. هر چند ترفن‌کننده سینمایی نیست به کتاب‌های دیگر، چندان بد نیست، اما تا توجه به تعداد جمعیت، فزاد ناگهانی و دانشجو و خارصه جمعیت خواهد بود، باید بیشتر از این اعداد ورقام کتاب‌های سینمایی چندان لایست و زیاد بیشتر از این اعداد ورقام باشد.

کتاب جلد می‌تواند یکی از عواملی باشد که محافظ را به خود جذب می‌کند. محافظ در تعداد کتاب‌های پیشامری که در کافروشی می‌بیند، نخست به عامل ظاهری توجه می‌کند و این عامل اولیه و مهم چیزی نیست به جز جلد کتاب. جلد کتاب‌های سینمایی می‌تواند با استفاده از تمام عامل‌های تصویری سینما جذاب باشد و محافظ را به خود جذب کند. بر همین این جذابیت و با استفاده بیشتر از عکس یک بازیگر قابل توجه و بر شی بازیگر یا آن حرفه‌ای عمل می‌کنند. در ادامه نظر چند نفر از صاحبانطران و گرافست‌های طرح جلد کتاب‌های سینمایی را در این خصوص جویا می‌شویم.

ابراهیم حقیقی: طرح جلد کتاب‌های سینمایی با کتاب‌های دیگر فرقی ندارد
ابراهیم حقیقی یکی از گرافست‌های نام‌و دهه اخیر است. او به طرد مستقیم طراحی جلد کتاب‌ها انجام می‌دهد و در این راستا، به طراحی جلد کتاب‌های سینمایی هم می‌پردازد.

حقیقی معتقد است که طراحی جلد کتاب‌های سینمایی، هیچ فرقی با کتاب‌های دیگر ندارد و آنچه که در این عرصه اهمیت پیدا می‌کند، ترفن و سلیقه گرافست است. یعنی هیچ گون تفکیکی بین این‌ها مطرح جلد کتاب سینمایی نیست. معتقدم که طرح جلد کتاب، باید به طور کلی مورد بحث قرار داده، طراح نشاء (آر) شکوه، دو، وضعت کتاب‌های فیلم نامه را کنی متفاوت می‌داند و اضافه دارد که در این کتاب‌ها کنی می‌توان مازم پیشتر داد. از ابراهیم حقیقی در مورد استفاده عکس بازیگران مشهور روی جلد کتاب‌های سینمایی می‌پرسم، می‌گوید: این کار هم می‌تواند عامل جذابیت شود و هم نمی‌تواند. آنچه که در این مورد مهم است، استفاده درست و بجای از عکس گانداست و اینکه باید دست طراح را در این مورد باز گذاشت.

حقیقی کار طراح گرافست را با یک دکتر مقایسه می‌کند و می‌گوید هیچ دکتر نمی‌گوید که فلان بیماری را می‌توان سرآموردگی مهم‌تر است، برای او بیماری مهم است و برای طراح هم جلد خوب مهم است نه موضوع.

مهدی صادقی:نوع موضوع و محافظ

مهدی صادقی که طرح جلد چند کتاب سینمایی بوده و استاد دانشگاه است، در زمینه طرح جلد کتاب‌های سینمایی اعتقاد دارد که باید به موضوع و محافظ کتاب توجه داشت. او می‌گوید: بسته به اینکه کتاب برای چه مخاطبی در می‌آید، طرح جلد متفاوتی خواهد داشت. برای مثال کتابی که در مورد زندگی آنتی‌ایچان است، طراح جلد متفاوتی با یک کتاب توریگ دارد.
صادقی در توضیح می‌گوید که ممکن است کتاب زندگی‌نامه یک فرد مشهور و عامه‌پسند، مورد توجه همگان باشد. در این مورد باید عکس آن چهرو و روی جلد بیاهد، اما در مورد یک کتاب جدی، قضیه فرق می‌کند و جلد بسته به مخاطب تغییر می‌کند.

مهدی صادقی در مورد استفاده از عکس بازیگران مشهور روی جلد کتاب می‌گوید: عکس فقط باید یادآوری می‌شود. مناسقه در تعدادی از کتاب‌های سینمایی از یک عکس ساده و بدون طراحی درست استفاده می‌کنند. این عکس نمی‌تواند عامل جذابیت کننده باشد. این اندیشه‌ترین و اولیه‌ترین کاری است که یک طراح می‌تواند انجام دهد.

صادقی عکس بازیگر یا چهرو مهم سینمایی را روی جلد کتاب رد نمی‌کند و معتقد است که این کار باید با دقت و طراحی درست انجام شود.

بیژن صیغوری: ترجمه مشخص بصری
بیژن صیغوری، نظری‌مندی مهدی صادقی و ابراهیم حقیقی دارد، او معتقد است که طراحی جلد کتاب سینمایی مثل طراحی جلد کتاب‌های دیگر، باید با فضا و آنسفر آن جور باشد. بنابراین طرح جلد کتاب سینمایی از جمله دستمایه، کتاب‌های نظری و زندگی‌نامه، باید فضای کتاب را روی جلد بیاورند.
صیغوری در مورد استفاده از عکس بازیگران مشهور سینما روی جلد می‌گوید: برخورد مستقیم در گرافیک کشور، ما با مشت کیست

کم‌کارها می‌شود. این برخورد مستقیم، نه تنها در طرح جلد کتاب انجام می‌گیرد که در عرصه‌های دیگر از جمله در پوسته‌های شامه او برخورد هشیب.

او در توضیح حرف‌هایش، استفاده از عکس بازیگران مطرح سینما را سهل‌الوصول‌ترین راه برای جذاب شدن جلد کتاب می‌داند و آن را ساده‌ترین راه رسیدن به یک طراحی جلد قلمداد می‌کند.
صیغوری در ادامه می‌گوید: البته استفاده از پرتره لزوماً بد نیست و به زوایه دیدطراح برمی‌گردد.من برای طراحی جلد کتاب‌های سینمایی، سعی می‌کنم که به فضای اثر نزدیک شوم و آنسفر فکلی کتاب را در ترجمه شخصی صبرنام می‌کنم که از طریق جلد داشته باشم.
صیغوری تأکید می‌کند که از وزن آنسفر فضای کتاب برای او خیلی مهم است، و در پاسخ به این پرسش که با ناشران در این زمینه به مشکلی برخورداده‌ای می‌گوید:در این سال‌ها سبکی در طرح جلد کتاب‌هایاب شده که در برخی از موارد، خود من آغازکننده بودهام. ناشران هم با توجه به نوع کار من، سراغم می‌آیند در نتیجه معمولاً به مشکلی بر نمی‌خوردم.

حسن‌کریم زاده عکس، جذابیت و سوادبصری
کریم زاده وقتی سوال‌هایم را از طریق فلن‌شاید، ترجیح می‌دهد که چند دقیقه بعد جواب دهد. کمتر از یک ساعت، او جویش را که چاپ شده و منظم است، نکس می‌کند. جواب او را می‌تافل می‌کنم، اصولاً طراح گرافیک برای خلق روی جلد یک کتاب همان مراسم را پیش می‌برد که در میزان جعبه یک فرآورده خوراکی یا یک

کم‌کارها می‌شود. این برخورد مستقیم، نه تنها در طرح جلد کتاب انجام می‌گیرد که در عرصه‌های دیگر از جمله در پوسته‌های شامه او برخورد هشیب.

او در توضیح حرف‌هایش، استفاده از عکس بازیگران مطرح سینما را سهل‌الوصول‌ترین راه برای جذاب شدن جلد کتاب می‌داند و آن را ساده‌ترین راه رسیدن به یک طراحی جلد قلمداد می‌کند.
صیغوری در ادامه می‌گوید: البته استفاده از پرتره لزوماً بد نیست و به زوایه دیدطراح برمی‌گردد.من برای طراحی جلد کتاب‌های سینمایی، سعی می‌کنم که به فضای اثر نزدیک شوم و آنسفر فکلی کتاب را در ترجمه شخصی صبرنام می‌کنم که از طریق جلد داشته باشم.
صیغوری تأکید می‌کند که از وزن آنسفر فضای کتاب برای او خیلی مهم است، و در پاسخ به این پرسش که با ناشران در این زمینه به مشکلی برخورداده‌ای می‌گوید:در این سال‌ها سبکی در طرح جلد کتاب‌هایاب شده که در برخی از موارد، خود من آغازکننده بودهام. ناشران هم با توجه به نوع کار من، سراغم می‌آیند در نتیجه معمولاً به مشکلی بر نمی‌خوردم.

حسن‌کریم زاده عکس، جذابیت و سوادبصری
کریم زاده وقتی سوال‌هایم را از طریق فلن‌شاید، ترجیح می‌دهد که چند دقیقه بعد جواب دهد. کمتر از یک ساعت، او جویش را که چاپ شده و منظم است، نکس می‌کند. جواب او را می‌تافل می‌کنم، اصولاً طراح گرافیک برای خلق روی جلد یک کتاب همان مراسم را پیش می‌برد که در میزان جعبه یک فرآورده خوراکی یا یک

کریم زاده وقتی سوال‌هایم را از طریق فلن‌شاید، ترجیح می‌دهد که چند دقیقه بعد جواب دهد. کمتر از یک ساعت، او جویش را که چاپ شده و منظم است، نکس می‌کند. جواب او را می‌تافل می‌کنم، اصولاً طراح گرافیک برای خلق روی جلد یک کتاب همان مراسم را پیش می‌برد که در میزان جعبه یک فرآورده خوراکی یا یک

کریم زاده وقتی سوال‌هایم را از طریق فلن‌شاید، ترجیح می‌دهد که چند دقیقه بعد جواب دهد. کمتر از یک ساعت، او جویش را که چاپ شده و منظم است، نکس می‌کند. جواب او را می‌تافل می‌کنم، اصولاً طراح گرافیک برای خلق روی جلد یک کتاب همان مراسم را پیش می‌برد که در میزان جعبه یک فرآورده خوراکی یا یک

کریم زاده وقتی سوال‌هایم را از طریق فلن‌شاید، ترجیح می‌دهد که چند دقیقه بعد جواب دهد. کمتر از یک ساعت، او جویش را که چاپ شده و منظم است، نکس می‌کند. جواب او را می‌تافل می‌کنم، اصولاً طراح گرافیک برای خلق روی جلد یک کتاب همان مراسم را پیش می‌برد که در میزان جعبه یک فرآورده خوراکی یا یک

کریم زاده وقتی سوال‌هایم را از طریق فلن‌شاید، ترجیح می‌دهد که چند دقیقه بعد جواب دهد. کمتر از یک ساعت، او جویش را که چاپ شده و منظم است، نکس می‌کند. جواب او را می‌تافل می‌کنم، اصولاً طراح گرافیک برای خلق روی جلد یک کتاب همان مراسم را پیش می‌برد که در میزان جعبه یک فرآورده خوراکی یا یک

کریم زاده وقتی سوال‌هایم را از طریق فلن‌شاید، ترجیح می‌دهد که چند دقیقه بعد جواب دهد. کمتر از یک ساعت، او جویش را که چاپ شده و منظم است، نکس می‌کند. جواب او را می‌تافل می‌کنم، اصولاً طراح گرافیک برای خلق روی جلد یک کتاب همان مراسم را پیش می‌برد که در میزان جعبه یک فرآورده خوراکی یا یک

کریم زاده وقتی سوال‌هایم را از طریق فلن‌شاید، ترجیح می‌دهد که چند دقیقه بعد جواب دهد. کمتر از یک ساعت، او جویش را که چاپ شده و منظم است، نکس می‌کند. جواب او را می‌تافل می‌کنم، اصولاً طراح گرافیک برای خلق روی جلد یک کتاب همان مراسم را پیش می‌برد که در میزان جعبه یک فرآورده خوراکی یا یک

کریم زاده وقتی سوال‌هایم را از طریق فلن‌شاید، ترجیح می‌دهد که چند دقیقه بعد جواب دهد. کمتر از یک ساعت، او جویش را که چاپ شده و منظم است، نکس می‌کند. جواب او را می‌تافل می‌کنم، اصولاً طراح گرافیک برای خلق روی جلد یک کتاب همان مراسم را پیش می‌برد که در میزان جعبه یک فرآورده خوراکی یا یک

کریم زاده وقتی سوال‌هایم را از طریق فلن‌شاید، ترجیح می‌دهد که چند دقیقه بعد جواب دهد. کمتر از یک ساعت، او جویش را که چاپ شده و منظم است، نکس می‌کند. جواب او را می‌تافل می‌کنم، اصولاً طراح گرافیک برای خلق روی جلد یک کتاب همان مراسم را پیش می‌برد که در میزان جعبه یک فرآورده خوراکی یا یک



ابراهیم حقیقی



کامران افشار مبارج



قبادشوا



مهدی صادقی

شهرام گلپریان: بونیلوم برای مخاطب خاص
شهرام گلپریان یکی از طرمان جلد در انتشارات سروش بوده و به همین جهت جلد کتاب‌های بسیاری را طراحی کرده است. او نیز به عامل محافظ و مضنون کتاب در طرح جلد بسیار اهمیت می‌دهد. منکن است طراح در یک جلد، از تصویرسازی عنوان کتاب باری کند. در یک طرح جلد هم پرتره یک بازیگر را به کار گیرد. در این زمینه باید خیلی دنبال یک فرمول ثابت بود.

گلپریان در مورد جذابیت طرح جلد کتاب معتقد است که وقتی محتوای یک کتاب خوب باشد و خواننده بتواند با آن ارتباط برقرار کند و طرح جلد کتاب نیز متناسب با این محتوا طراحی شده باشد، کتاب مورد توجه خوانندگان قرار می‌گیرد. او طراحی جلد کتاب‌های سینمایی را با بازیگر کتاب متفاوت می‌داند و می‌گوید: طرح جلد کتاب باید حال و هوای متن را معرفی کند. در مورد کتاب‌های سینمایی، سبک‌های سینمایی مثل تاراج، لیمو، کبوتر، ندوین، کلاکت و… حتی بهجو بازیگر می‌تواند این نقش را بازی کند. در هر صورت طراح باید با استفاده از تکنیک‌های هر چه بیشتر جلد را برای محافظ جذاب تر کند و در عین حال، معرف نام باشد.

می‌توان این گزارش را جلد بی‌نامی در موضوع طرح جلد کتاب‌های سینمایی و در آینده این بحث را جدی‌تر دنبال کرد.

قباد شوا را نسبت به هیمنگوا لقب جوانی می‌دهد. تقریباً در همه جا دنیا همین گونه است. این دید بازاری همواره وجود دارد که عکس بازیگر‌ها روی جلد باید تا مردم قبل از ورق زدن کتاب، متوجه شوند که کتاب در مورد سینماست.

شوا در ادامه می‌گوید که اما در طراحی حرفه‌ای، منکن است عکس یک بازیگر باشد یا نه منکن است در برخی از طراحی‌ها، از سینمای هنری سینمایی استفاده شود و با توجه به آن سمل ایجاد جذابیت شود.

قباد شوا معتقد است که برای جذابیت طرح جلد کتاب‌های سینمایی از راه‌های متفاوتی وجود دارد و تقریباً به اندازه تعداد گرافست‌ها، راه متفاوت وجود دارد. به عنوان مثال خود من، در طراحی جلد کتاب‌های سینمایی، عنوان را بزرگ می‌کنم. چون خود عنوان نشان می‌دهد که کتاب سینمایی است و محافظ جذب می‌شود.

شوا از وضعت بد کتاب‌های جلد انتقاد می‌کند و می‌گوید: بیشتر طرح جلد کتاب‌ها، مناسقاته پرفرازی‌هایی است که چند تصویر در آن آمده است. او اضافه می‌کند: طرح خوب، شخصیت و فضای کتاب را منتقل می‌کند.

کامران افشار مبارج: سینما و طرح جلد مدرن

کامران افشار مبارج، نظرمطوالت‌تری را نسبت به دیگران بیان می‌کند. او سینما را هنری مدرن می‌داند و یکی از ویژگی‌های مهم طرح جلد کتاب‌های سینمایی را همین مدرن بودن می‌داند. تفاوت سینما با همه هنرها در جدیدتر بودن آن است. سینما هنری است که به تکنولوژی کبده دارد و به همین جهت نگاه آن به آینده است. به همین دلیل باید جلد کتاب سینمایی رنگ و بوی سنی داشته باشد. با این طرح زیبایی و حرکت داشته باشد.

او در زمینه استفاده از تصویر و پرتره بازیگر روی جلد کتاب می‌گوید: این تکنیک به موضوع سینمایی دارد. وقتی کتاب در مورد زندگی یک هنرمند باشد، بهیچ‌شیء نمیتوان این هنرمند، مطرح است. اما وقتی یک محتوا این هنرمند مطرح است، فلا کتابی در مورد یک اثر سینمایی داریم، در آن صورت باید تصمیم بگیریم که از چهرو یک بازیگر استفاده کنیم یا نه.

افشار مبارج، همدس شدن و سادگی طرح جلد را یکی از عامل‌های مدرن شدن آن می‌داند. در جلد کتاب‌های سینمایی، کمتر باید از طرح‌های اسبسی، گیاهی و بیچ و دایچ استفاده کرد. چون فضای مدرن این عصر را بر نمی‌تابد. حتی برای عنوان کتاب هم باید از فرنت استفاده کرد و سطح تسلیع چندان برای این کار مناسب نیست. سینما خیلی با مدرنیسم ارتباط دارد و باید این فضای مدرن در جلدها وجود داشته باشد.

شهرام گلپریان: بونیلوم برای مخاطب خاص
شهرام گلپریان یکی از طرمان جلد در انتشارات سروش بوده و به همین جهت جلد کتاب‌های بسیاری را طراحی کرده است. او نیز به عامل محافظ و مضنون کتاب در طرح جلد بسیار اهمیت می‌دهد. منکن است طراح در یک جلد، از تصویرسازی عنوان کتاب باری کند. در یک طرح جلد هم فقط با حرف گیرد. در این زمینه باید خیلی دنبال یک فرمول ثابت بود.

گلپریان در مورد جذابیت طرح جلد کتاب معتقد است که وقتی محتوای یک کتاب خوب باشد و خواننده بتواند با آن ارتباط برقرار کند و طرح جلد کتاب نیز متناسب با این محتوا طراحی شده باشد، کتاب مورد توجه خوانندگان قرار می‌گیرد. او طراحی جلد کتاب‌های سینمایی را با بازیگر کتاب متفاوت می‌داند و می‌گوید: طرح جلد کتاب باید حال و هوای متن را معرفی کند. در مورد کتاب‌های سینمایی، سبک‌های سینمایی مثل تاراج، لیمو، کبوتر، ندوین، کلاکت و… حتی بهجو بازیگر می‌تواند این نقش را بازی کند. در هر صورت طراح باید با استفاده از تکنیک‌های هر چه بیشتر جلد را برای محافظ جذاب تر کند و در عین حال، معرف نام باشد.

می‌توان این گزارش را جلد بی‌نامی در موضوع طرح جلد کتاب‌های سینمایی و در آینده این بحث را جدی‌تر دنبال کرد.



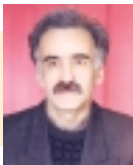
سینه زمانی

گفت و گو

روند رو به رشد

بررسی کتاب‌های سینمایی منتشر شده در ایران از ابتدا تا امروز در گفت و گو با محمد تهامی نژاد

درباره نحوه استقبال مردم از این کتاب‌ها در آن سال‌ها در مدت تحقیق به منطقی برخوردید؟
 متأسفانه خیر!
 بعد از «کتیک سینما» چه کتابی منتشر شد؟
 نخستین کتاب درباره تاریخ سینمای ایران را آقای عبدالحمید شماعی تهرانی نوشته‌اند، تحت عنوان سینمای ایران، در سال ۱۳۴۹ که در آن تعداد زیادی از فیلم‌هایی را که در سال ۱۳۳۸ ساخته شده بود، مورد بررسی قرار دادند. البته این کتاب را ندیده‌ام ولی در «کتیانه سینمای ایران» از آن اسم برده شده.



کتیانه سینمای ایران چه سالی منتشر شد؟
 در سال ۱۳۵۵ توسط وزارت فرهنگ و هنر منتشر گردید. و نخستین کتاب‌های منتشر شده تا سال ۱۳۵۵ در آن فهرست شده است.

پس منبع اصلی شما برای تحقیق همین کتاب بود؟
 در این کتاب وجود فیلمنامه فردوسی یا اطلاع عدم. آیا به غیر از آن منبع دیگری وجود ندارد؟
 غلام حیدری در کتاب بررسی تاریخی تقدوسی در ایران، از کتاب کم حجم فرخ غفاری، تحت عنوان سینما و مردم نام برده که سال ۱۳۴۹ منتشر شد. کتیانه سینمایی مسعود مهرابی هم هست ضمن اینکه برای بررسی عمده باید به اصل مراجعه کرد. البته مرحوم شماعی کتابی به صورت جنگ چارده، تحت عنوان فرهنگ سینمایی، که در آن تمامی اطلاعات درباره سینمای ایران درج شده در سال ۱۳۵۲ تا ۱۳۵۳ درآمده است. پس می‌توان از آقای شماعی به عنوان نخستین مورخ تاریخ سینمای ایران یاد کرد.

البته کتیانه نوشتن با مورخ بودن تفاوت دارد. روزنامه‌گاران، نخستین اطلاعات درباره سینمای ایران را ثبت کرده‌اند. مجله سینما و نمایشات در سال ۱۳۴۹ به تاریخ سینمای ایران پرداخته و می‌توان گفت آقای شماعی، اولین گردآورنده اطلاعات سینمای ایران بودند و از برخی جهات نخستین مورخ تاریخ سینمای ایران که کارشان به صورت کتاب درآمده. وگرنه فرخ غفاری با نوشتن در مجله عالم هنر، حق تقدم دارند. از جنبه تئوری، کتاب‌های سینمایی عمده ۲۰۰۰ کیلانی درباره سینما را مطرح می‌ساختند. در صورتی که دهه ۴۰ دوره شناخت تفصیلی‌تر است.

نخستین اتفاق در این دهه ترجمه کتاب «تاریخ سینما» ی آرترز تایت توسط نجف دریابندری بود که کمی رایت این کتاب متعلق به سال ۱۹۵۷ (۱۳۳۶ خورشیدی) بود. تقریباً دیگر به روز شدیم. ترجمه کتاب «گفت و گوئی هیچکاک و تروفو توسط پرویز دویلی که پیش از آن کلمنت هالی از آن در نشریات مختلف به چاپ رسیده بود و با فیلم‌های خارجی ترجمه می‌شدند. مثل «سهامه» «میکل آنجلو آنتونیونی» و فرنگی‌های وحشی» و «رگمان» همچون در آینه، هوروشیا عشق مرن، سکونت دزد دوچرخه و در دهه در این دهه به چاپ رسیدند. یعنی بیشتر به قلم‌های سینما توجه می‌شد؟
 بله همین طور است. ملایر درد دوری، جرحه را ارامیم و ریدنیور ترجمه می‌کند. فرهنگ سینمای فیلمنامه‌های «احمد» و «نوت فرنگی‌های وحشی» که آثار مهمی در تاریخ سینما هستند را به فارسی برگرداند و با اسکرت، توسط پرویز تانیدی به فارسی ترجمه گردید. در کنار آنها فیلمنامه‌های ایرانی هم منتشر شد. مثل «ما نمی‌شویم» یا «فصل گوناگونی، غلام‌الحسین

مطلب نوشته شده و حتی در دوره رضاشاه درباره سینما، شعر می‌سرودند. ملک الشعراء، راجع به سینما شعر گفت و همین طور افراد دیگر و همه این موارد جست و گریخته در مطوعات درج شده است. تا سال ۱۳۲۷ که در یک کتاب برای نخستین بار به طور منسجم یک مقدار مفاهیم در اختیار خواننده فارسی زبان قرار می‌گیرد.
دلیل انتشار این کتاب چه بود؟
 بنا بر تصور من شاید دلش این است که دو سال پیش از انتشار آن، آلمان نازی در فرانسه شکست خورد و دوباره در فرانسه دولت آزاد تشکیل شد و فرانسوی‌ها در ایران هم توانستند پس از سال‌ها دوباره حضور یابند و برنامه نمایش فیلم برپا کنند. در ۲۴ فوروردین سال ۱۳۲۷ فیلم نبرد راه آهن در سفارت فرانسه به نمایش در آمد. سپس یک کتاب تاریخ سینما، لودوگا ترجمه می‌شود. یعنی حضور فرانسوی‌ها پررنگ‌تر می‌گردد. البته به غیر از آنها و فیلم‌هایشان فیلم‌های شوروی، آمریکا و لکسیس در ایران پیش می‌شد و یا در الحین‌های روابط فرهنگی به نمایش در می‌آمد.

کتاب تاریخ سینمای لودوگا در چه قسمتی منتشر شد؟
 در قطع جیبی و فکر می‌کنم حدوداً صد و چهل صفحه دارد.
در دهه بیست کتاب‌های دیگری هم چاپ شد؟
 خیر، ولی در سال ۱۳۳۱ ترو آل گیلانی کتابی تحت عنوان «کتیک سینما» منتشر کرد.

ترجمه‌ای با تألیفی؟
 تالیفی. در واقع اولین کتابی است که درباره سینما در ایران نوشته شده است.

توسعه‌اش چه کاره بود؟
 ترو آل گیلانی، افسر عضو حزب توده بود و یک موزه داشت به نام «مدرسه سینمایی سینه موند» که جزو اولین موسسات سینمایی در ایران محسوب می‌شود بعد از کلاس‌های اوهایان. و یک تعداد دانشجو را پذیرفته بود.

پس تدریس هم می‌کرد؟
 بله. معلم بود. البته این مساله را با توجه به مقدمه‌ای که آقای حسین شیروانی بر این کتاب نوشته و خود او جزو منتقدان و علاقه‌مندان به سینما در آن دوره بوده، عرض می‌کنم. ایشان در مقدمه کتاب نوشته‌اند که «کتیک سینما» در واقع مجموعه سخنرانی‌های آقای آل گیلانی در سر کلاس‌های مدرسه سینمایی سینه موند است.

این کلاس‌ها هم‌زمان با کلاس‌های آموزشی سیراکیوز برپا می‌شد؟
 خیر. این کلاس‌ها پیش از کلاس‌های سازمان فیلمبرداری دانشگاه سیراکیوز آمریکا وابسته به اصل ۴ در ایران برپا شد. این کتاب در سال ۱۳۳۱ چاپ و به نظر می‌رسد که کلاس‌های سینه موند طی سال ۱۳۲۹-۳۰ برپا شده بود. در این کتاب حتی عکس برخی از دانشجویان کلاس هم به چاپ رسید. کتیک سینما، نخستین کتابی است که به طور خیلی مختصر درباره تصویر و امیال مطالبی ذکر کرده و به انواع دوربین فیلمبرداری، فیلم‌های ۸ میلی متری، ۹۵ میلیتری، ۱۶ و ۳۵ میلیتری می‌پردازد.

مگر قطع ۹۵ میلیتری هم وجود داشته؟
 بله. دو یک زمانی بوده و حالا دیگر مورد استفاده ندارد. بله می‌گفتید...

و همین طور درباره انواع فیلم‌ها، بازیگری، فیلمنامه نویسی، تجهیزات و گرم نیز توضیح می‌دهد. قطع کتاب جیبی ۲۰۰ صفحه‌است. هنگام توری این کتاب به موضوع «جالی» برخوردیم. ملایر در کتاب «تاریخ سینمای لودوگا» گفته Documentary (دکومنتری) مدرسه ترجمه شده، ملایر نوشته، خاتم لئی وشتال یک مدرسه درست کرد. ولی در کتاب «کتیک سینما» برای اولین بار به واژه «مستند» می‌خوریم. حتی در این خصوص لا به لای مطوعات آن سال‌ها جست و جو کردم که این لغت از کجا آمده و چگونه وارد ادبیات سینمایی شده. قدیمی‌تر از این نیافتم. حالا ممکن است برخی بگویند که ما چنین واژه‌ای را وارد ادبیات سینما کردیم البته اگر به فرهنگ‌های دو زبانه فارسی-انگلیسی مراجعه کنید می‌بینید مقابل کلمه دکومانتز، واژگان مدرک و مستند را نوشته‌اند.

برای ارزیابی کیفیت و کمیت کتاب‌های سینمایی منتشر شده پس از انقلاب در ایران لزوم سرک کشیدن و بررسی کتاب‌های پیش از انقلاب پیش از پیش احساس می‌شود چرا که لا به لای روزهای بر جای مانده در غبار زمان می‌توان نوع نگاه گذشگان را به خوبی درک کرد و با تحلیلی از عملکرد آنها، به درک موشکافانه‌تری از عمل امروزی‌ها دست یافت. اینکه آنان چه نسبتی با پدیده نوظهور «سینما» دارند، چگونه به شناخت آن رسیدند و برای آینده‌ها چه ارمانی بر جای نهادند... پرسش‌های متعددی را در ذهن به وجود می‌آورد که با مقایسه دو روند گذشته و امروز، آسان‌تر به پاسخ خواهیم رسید. محمد تهامی نژاد، پژوهشگر سینما، طی این گفت و گو بخش مهمی از زوایای این مساله را به می‌شناساند که امید است به عنوان منبع مناسبی برای محققان و سینماپژوهان مورد استفاده قرار گیرد.

انتشار نخستین کتاب سینمایی در ایران مربوط به چه دوره‌ای است و چه محتوایی را دربرداشت؟
 این مساله به دهه ۲۰ خورشیدی می‌گردد، که به نظر من مقطع مهمی برای تاریخ سینمای ایران محسوب می‌شود. سال‌های ۲۷-۱۳۲۶ یا اولین دوره برنامه عمرانی کشور هم‌راه است. تقریباً چالش‌های سیاسی به نقطه مشخصی رسیدند. منتقدان در حال خارج شدن از ایران هستند. آمریکایی‌ها جای



انگلیسی‌ها را می‌گیرند، کانون‌های نمایش فیلم در جاهای مختلف ایران به وجود آمده و حتی مسابقات عکاسی در سطح کشور برگزار می‌شود. در شهرهای مثل آبادان به دلیل حضور شرکت نفت، شرایط ویژه‌ای برای نمایش فیلم فراهم شده و در دل همین جریان‌ات و شرایط، نخستین کتاب سینمایی هم متولد می‌شود. می‌گویند فیلمنامه «فردوسی» نخستین کتاب سینمایی است که توسط سیدعلی خان آذری نوشته شده که در واقع داستان زندگی این شاعر بزرگ ایران را بازگو می‌کند.

از این کتاب نسخه‌ای باقی مانده است؟
 نمی‌دانم. اما نخستین کتاب موجود که در ایران ترجمه شده، «تاریخ سینمای لودوگا» است که توسط حسن صفاری در مجموعه «چشمه» چاپ شده. منتشر شد. «چشمه» مجموعه کتاب‌هایی است که انتشار آن از دهه بیست شروع شد تا اواخر دهه چهل ادامه پیدا کرد. در این کتاب، فیلم‌ها تا سال ۱۹۲۵ بررسی می‌شود؛ از غار الفلاطون و تجربیات ابوالحسن هنم شروع می‌کند و به سینمای ایستین داستالی و... می‌رسد. در آن زمان با انتشار این کتاب که تقریباً سنگین به نظر می‌رسید، آیا خوانندگان با مفاهیم ابتدایی و الفبایی سینما آشنایی داشتند؟

بله ورود این مفاهیم پیش‌تر شروع شده بود یعنی از دوره شرفیخت و هر چه به جلوش می‌آیم عمق بیشتری هم پیدا کرد. در نشریات بعد از انقلاب صغیر به وفور در این خصوص

دوره طلای سینما



سامدی که رشا علامه زاده در دوره دانشجویی اش ما نمی‌شویم را در تلویزیون ساخت، به غیر از اینها یک مجموعه نگاههای انقلابی به سینمای ایران چاپ شد که عموماً دید غیر تخصصی به سینما داشتند. این نوع کتاب‌ها پانچر یک نوع مقاومت نسبت به سینما بودند که یا از دید اخلاقی و یا از دید مذهبی سینمای ایران را رد می‌کردند. یعنی آن چیزی که تحت عنوان فیلمفارسی یا تجاری مطرح بود و یا حتی بخشی از سینمای دنیا را که بر پرده سینماهای ایران اکران می‌شد. یکی از مهمترین کتاب‌هایی که در آن سال‌ها در این زمینه منتشر شد، کتابی بود با عنوان «دکائی به نام سینما» که توسط حسین بزداتیان در سال ۱۳۴۴ نوشته شد و در سال ۱۳۴۷ آن را به چاپ رساند.

با چاپ انواع کتاب، آیا طرح مباحث و دیدگاهها در خصوص سینما فقط در حد کتاب باقی ماند؟

شاید تک‌این نکته حالی ازلقب نباشد که در عرصه مطبوعات مطالب مفصل و تشریحی درباره سینما به رشته تحریر درآمده و آن چیزی که به عنوان کتاب از آن پایه می‌کنیم فقط بخش کوچکی از فرهنگ پوششزی سینمای است و بخش عمده و اصلی آن در مطبوعات طرح شد. است. مثلا در دهه بیست شاهد مقالات متعددی در مجلات سینمایی و غیرسینمایی هستیم حتی در دوره رخساره هر روز می‌توانید مقالاتی در خصوص سینما در روزنامه‌های آن‌سال‌ها بخوانید. حتی طی تحقیقی نشان می‌دهد داستان کوتاه از مطبوعات ایران شروع شد.

چطور؟

حتما می‌توانید که از سال ۱۳۰۴ به بعد طبق قاضی که دولت وضع کرد همه سینماها مجبور بودند که پروگرام (برنامه) خود را چاپ کنند و در اختیار مردم قرار دهند. چون در آن زمان هنوز فیلم‌ها دوبله نمی‌شد.

این پروگرام عبارت بود از: یک داستان کوتاه (مثلا دو صفحه‌ای) که داستان فیلم را تعریف می‌کرد و بعد روزنامه‌هایی مثل اطلاعات هر روز آن پروگرام‌ها را در ستون‌های مشخص چاپ می‌کردند. از آن به بعد این جاذبه و سینما هم در مطبوعات جایگاه خاصی خود را پیدا کرد.

ترویج کتاب‌ها طور دو حد تاریخ‌نگاری و… بود؟

حسب به غیر از آن مواردی که بدان اشاره کردیم، مثلا نخستین کتاب تاریکی‌نامه‌ای که از یک هنرمند سینماگر به چاپ رسید، «میدان حسن» سینما مربوط می‌شود که در سال ۱۳۸۱ توسط شخصی به اسم دکتر فرهاد آنداشی در اصفهان به طبع رسید.

پیش از آن کتابی به این شکل داشتیم؟

اگر هم بوده از آن اطراعی ندرام و یا مثلا در همان دهه یکسری کتاب‌های روانشناسی سینما به چاپ رسیده مثل کتاب تاثیر سینما بر کودکان و نوجوانان، جلال ستاری که در سال ۱۳۶۵ منتشر گردید.

می‌رسیم به دهه پنجاه…

این دهه، دهه تعمیق درباره سینماست و دوره اختصاصی رشدن مباحث نظری. در این زمان «تاریخچه سینمای ایران» را عبدالحمیدشعاعی در می‌آورد و بعد مقالات ویژه سینما و تئاتر منتشر شد. کتاب فرهنگ سینمای ایران را در سال ۵۴- خسرو بدیعی، بهروز تهرانی و جمال حاج آقامحمد آماده کردند. این کار تشریحی دامنه همان کاری است که آقای شعاعی در سال ۱۳۳۸ انجام داده‌اند و مثلا در بخش دولت وزارت فرهنگ و هنر وقت، چنین کاری صورت می‌گرفت. بعد از آن کتاب فرهنگ سینمای ایران، جمال امید به بازار آمد. کتاب سیار مهمی در سال ۱۳۶۲-۱۳۶۱ منتشر می‌شود تحت عنوان فرهنگ سینمای ایران توسط داوود لویان به قیمت ۲۲ تومان. این کتاب اولین فرهنگ لغات انگلیسی به فارسی است که بسیاری از واژگان سینمایی وارد شده به زبان فارسی است و دوره شرطیت تا آن زمان را تعریف می‌کند و توضیح می‌دهد.

«هشتمه آرتسبان توسط زاون فوکاسیان منتشر می‌شود که یکی از اولین کتاب‌هایی است که حاوی مجموعه مقالات است که بعدها افراد دیگری هم همین کار را ادامه دادند. مثل آقای عباس بهارلو. چند کتاب دیگر هم در آن سال‌ها در می‌آید از جمله: کتاب دکتر سامدی، اسرار کج دره جنی گلستان(۱۳۶۳)، کتاب‌های «درباره چند سینماگر» را احمدشاد ارجمند منتشر می‌کند که تعدادی کارگردان معروف دنیا را معرفی می‌کند از جمله روسین روز، سالتا شیت ری، استانیلی کوربیک، گلوزو، پیتر بربری، هنجینگ شوشتگ باطرافی کار ترجمه فیلمنامه‌ها را ادامه می‌دهد مثل زندگنی کوروساوا، زنده یاد مکزیک، آیزنشتاین، فیلم به عنوان هنر، ورولف آرتنام کتاب بسیار مهمی است که فریدون معزی مقدم آن را در سال ۱۳۵۵ ترجمه کرد. شناخت فیلم، جهانش نظری که مجموعه مقاله است و فصلی در سینما، ویریر شفا هم در این مهم این سال‌هاست.

و دو کتاب مهم دیگر فیلم و کارگردان» دان لویگستون(۱۳۵۰) به ترجمه ناصر سعیدی و دیگری کتاب «سینمای مستند» دکتر حمید نفیسی که در سال ۱۳۵۷ منتشر شد. کتاب دان لویگستون

از این نظر مهم است که برای اولین بار درباره دکویاز، کارگردانی و… صحبت می‌کند. و حتی بام می‌آید آن موقع که دانشجوی سینما بودم. اسامید سینمای ایران در باره این مسائل می‌گفتند و بحث می‌کردند ولی هیچ وقت کتابی منتشر نکردند و جزوه‌ای هم در نیاوردند. حتی مرحوم هژیر داریوش درباره همه اینها حرف می‌زد ولی کتابی هم منتشر نکرد. در این کتاب دکویاز، زوایای دوربین، خط فرضی و… برای اولین بار به صورت مکتوب مطرح شد.

در این زمان، نیاز جامعه رشد کرده و دیگر به فیلمسازی در این جامعه از دید علمی نگاه می‌شود و کسانی که در این فضا فعالیت می‌کنند به منابع دیگری احتیاج دارند. البته در آن سال‌ها فیلمسازی که در فرنگ، سینما را آموختند شاید خیلی به آن کتاب‌ها احتیاجی نداشتند ولی این کتاب‌ها برای دانشجویان و علاقه‌مندان سینما در سطح کشور بسیار قیمت بود.

ضمن اینکه در آن سال‌ها کتاب‌هایی به زبان انگلیسی وارد کشور می‌شد. از جمله «Cinemography American Home Book» که به قول فخری اوزان، کتاب دعای سینما است. در این کتاب مجموعه اطلاعات فنی سینمایی ذکر شده بود و هر سال منتشر می‌شود. به یک نحوی هم به دست علاقه‌مندان در ایران می‌رسید. حسب این خلاصه‌ای از اطلاعات من در دهه ۵۰-۵۰ بود. همان طوره که گفتیم دهه ۵۰، دهه آغاز مباحث نظری است. ولی اگر در این دهه مباحث نظری به صورت پایه‌ای از اینهای تاریخ سینما مطرح می‌شد، شاید نتایج روشن‌تری در دهه‌های بعد بر جای می‌گذاشت ولی متأسفانه این کتاب‌ها جسته و گریخته عرضه شدند.

حالا می‌رسیم به بعد از انقلاب…

بعد از انقلاب دوره گردآوری منابع فرهنگ سینمای ایران است. یعنی اینکه ما حالا قریب به ۷۸ سال تاریخ سینما را پشت سر گذاشتیم (۱۹۷۸-۱۹۰۰) ولی هنوز گردآوری منابع به طور کامل صورت نگرفته است. نوشتن تاریخ سینما به شیوه‌های علمی از دهه ۵۰-۵۰شده پیدا کرد. در دهه شصت جمال امید، سعید مهربانی، بهزاد ریحیمیان و عباس بهارلو در این راه هست به خرج دادند. البته پیش از آن نمی‌توان اسمی از مرحوم شعاعی



آن چیزی که به عنوان کتاب از آن یاد می‌کنیم فقط بخش کوچکی از فرهنگ نوشتاری سینمایی است و بخش عمده و اصلی آن در مطبوعات دوچ شده است

نبرد، پس حالا با یک مجموعه فرهنگ روبرو هستیم. فرهنگ سینمای ایران و تاریخ سینمای ایران جمال امید تاریخ سینمای ایران و فرهنگ سینمای مستند سعید مهربانی، فیلمشناخت‌های عباس بهارلو (حدیثی) که کتاب‌های بسیار مهمی هستند. **با این توضیحات، رفته‌ای میانه انتشار کتاب‌های پس از انقلاب به وجود نیامد؟**

اصلا. درست در سال ۱۳۵۸ سینمای نوین» شهروز جویاتی منتشر شد و بلافاصله نویسندگان جدیدی با به عرصه گذاشتند مثل سعید مدنی، احمد ضابطی جهرمی، درسا هاکیان و… بلافاصله پس از انقلاب هم کتاب‌های گردآوری شده منتشر شد و نویسندگانی نظیر زاون فوکاسیان، عباس بهارلو (فلام حدیثی) کتاب منتشر کردند و پس از آن هم تا به امروز کتاب‌هایی درباره فریوخ فرخزاد، ناصر غفرانی، فریدون گله، بهمن فرمان آرا، امیر نادری، علی حاتمی، بهرام بیضایی به چاپ رسید. دکتر امید روحانی «دفعه‌های سینما» را در سال‌های ۱۳۵۹-۶۰ چاپ کرد.

از کتاب‌های مهم منتشر شده بعد از انقلاب، کتاب «واژگان فنی سینما» و نظریه‌یونگ» بود که در سال ۱۳۴۳ به طبع رسید انتشارات سروش برای آن کار سرمایه‌گذاری کرد و یک شورای وازه‌گرنی انتخاب کرد که متشکل بود از حسن امینازی، مهدی ریحیمیان، سعید مدنی، حمید همام ویا و اوزبیک در ساهاگان می‌شد که آنها برای این کتاب در برابر تمام واژگان مصطلح در سینما و تلویزیون معادل فارسی قرار دادند و از کارهای مهمی بود که یک ناشر می‌توانست انجام دهد و کاری ارزشمند و ماندگار است. در بعد از انقلاب تعداد زیادی فیلمنامه منتشر شد، هم فیلمنامه‌های به فیلم تبدیل شد و هم فیلمنامه‌های فیلم نشده. این روند با مجموعه فیلمنامه‌های بهرام بیضایی آغاز شد و بعدا



هم ادامه پیدا کرد…

روایت نشر کتاب‌های سینمایی را در بعد از انقلاب مطرب

آرزوایی می‌کنند؟

ببینید در دوره قاجار وسیله‌ای وارد ایران شد و با خود مجموعه واژگانی را همراه آورد. آرام از این واژگان را یاد گرفتیم و توضیح دادیم و متوجه شدیم که اینها چه مفاهیمی دارند و حالا توضیح سده آن به توضیح فلسفی رسیدیم.

پس این سئاله در فرج خود مطرب و نقل آرزوایی است. مثلا در دهه ۵۰ کلمه «استاندار» واژه ادبیات سینمایی شد و معنای زیبایی‌شناسی آن در دیباچه‌ها درمید ولی مثلا در دهه ۷۰استاندار» به عنوان یک روم اصطلاح فلسفی هم خودش را مطرح می‌زاد. در کتاب «اسیر و سلوک در سینما» دکتر محمد مدنی درباره هنر تکنولوژیک بحث می‌کند. یعنی از جمله نظری مذهبی به این موضوع نگاه می‌کنند و با در آینه چلو برضی آرزویی به سینما جنبه مذهبی و در حد حال فلسفی گریسته می‌شود. پس این سینما کم کم دارد جای خود را از جنبه فلسفی در ایران بازی می‌کند. ولی نکته مهم این است که همان طوره که گفتیم اگر در دهه ۵۰ به مباحث پایه‌ای فلسفه و زیبایی‌شناسی سینما به صورت روشمند می‌پرداختیم و همگام و قدم به قدم می‌آمدیم الان نتایج دقیق‌تری به دست می‌آوردیم. بعد از انقلاب از این نظر، جنبه جبرانی داشتیم. اولین کتاب نظری‌های اساسی فیلم نوشته دانیل آندرو با ترجمه سعید مدنی روانه بازار شد بعد نشانه‌ها و معناها ناصر زراعتی و عبدالله تربیت ترجمه شد که نشانه‌شناسی را مطرح می‌کند و بعد زمان و مکان در سینما نوشته نرگس برج پدیدارشناسی را مورد بررسی قرار می‌دهد و بعد کتاب جامعه‌شناسی سینما نوشته حرج اهورانی که مدخل جامعه‌شناسی زوربا و روتبا را در تحلیل فیلم منظر دارد. هر کدام از این کتاب‌ها با یک روش فلسفی به سینما نگاه می‌کنند که در همین حال برلمان قابل درک نیستند. پس ما باید در وهله نخست با مابقی فلسفی آنها آشنا می‌شویم و در حالی که یک دهه مورد هجوم این نگاهها قرار گرفتیم. ولی با تمام این توضیحات، حرکت عمیق روبرو به رشد دانشی و علاقه بر مروجان، یعنی تاوم به مولفان و پژوهشگران ایرانی مثل دکتر هوشنگ کادوسی، پرویز دویی، امیر کریمی، شهاب الدین عادل، حمید دهقان پور، مهادیون امامی، احمد ضابطی جهرمی، دکتر شهاب عدل، شهنواز مرادی، اکبر طالمی و پرویز کلاتری و… در اشاره کنیم که دامنه پژوهش‌های علمی را رشد داده‌اند.

در اینجا باید به چند کتاب مهم دیگر نیز اشاره کنیم «سینمای مستند» ریچارد میران یارسام با ترجمه مرتضی پازویی و تاریخ سینمای ریچند آریگ بازنوا با ترجمه احمد ضابطی جهرمی که هر دو از منابع مستند دهکتر حمید نفیسی بودند برای کتاب تاریخ سینما که در سال ۱۳۵۶ توسط دانشگاه آزاد وقت منتشر شد.

«همین طوره تک‌نگاری‌های منتشر شده مثل «طعم کیکاس» و «واژات سینمایی» که توسط سعید قطبکی نوشته شده که در تریخ «حرف جرد اولین هاست و همین طوره مجموعه نقد‌های سعید فرامندی و «ادبیات سینما» آندو آمبری و… و… و… نکته آخری که در ایران چندخصیت بسیار تاثیرگذار حضور دارند که باید به آنها اشاره شود، یاک احمدی و احمد رحیمیان و بهزاد عشقی در رشته نظریه پردازی سینمای ایران و همگام کردن مباحث نظری سینمای ایران نقش سازنده‌ای داشته‌اند بخصوص یاک احمدی چون ۲-هواهای نظریه پردازی سینمای ایران است. سینمای ایران ۲-سویه دارد، یکی سویه تولید فیلم که عرصه عملی است و سویه دوم نظری است و در خصوص مورد اخیر طبعه آن آغاز شده است و امیدوارم به جای تریسیم که یکوییم حالا ما سینما را انگرته می‌بینیم…



طیبه کریمی

گزارشی

گنجینه ای به نام موزه سینما



دختر لر، نخستین فیلم ناقل سینمای ایران است که هم اکنون نسخه‌های از آن در فیلمخانه ملی ایران موجود است. با چاپ فیلمنامه این فیلم بحث‌انگیز فرصتی فراهم می‌شود تا تاریخ سینمای ایران بهتر، توسط مستفان و پژوهشگران مورد بررسی قرار گیرد.

کتاب «فیلم‌های سینمایی ایران» طی دو مجلد روانه بازار شده است؛ در جلد نخست به فیلم‌های سال‌های ۱۳۵۸ تا ۱۳۷۲ پرداخته شده و در جلد دوم به فیلم‌های سال‌های ۱۳۷۳ تا ۱۳۸۲. ایرج صابری نگارنده کتاب در مقدمه آورده است: «هدف این بود که تمام فیلم‌های بلند سینمایی (با مدت زمان نمایش بیش از ۶۰ دقیقه) که پس از انقلاب اسلامی از سال ۱۳۵۷، در ایران ساخته شده‌اند و یا به نمایش عمومی درآمده‌اند، معرفی شوند...»

خانه سینما (جامعه اصناف سینمای ایران) عنوان کتاب دیگری است که به مناسبت بزرگداشت بیست و پنجمین سالگرد انقلاب اسلامی ایران توسط موزه سینما و با همکاری بنیاد فارابی در سال ۱۳۸۲ به چاپ رسیده است. خانه سینما به عنوان مکان تجمع اصناف مختلف سینمایی، مهمترین ارکان غیر دولتی صنفی است که توسط ریورت صافاریان در این کتاب مورد معرفی و بررسی قرار می‌گیرد. در این مجلد دوره‌های حیات، انجمن عشق، ساختار تشکیلاتی، اساس نامه خانه سینما و همه مسائل مربوط به این خانه درج شده است.

کتاب «کارگردانان» ۲۵ سال سینمای ایران عنوان دیگری است که توسط موزه سینمای ایران با همکاری انتشارات بنیاد سینمایی فارابی در سال ۱۳۸۲ به چاپ رسیده است. در این کتاب کارگردانی که پس از انقلاب حتی یک فیلم ساخته‌اند، اسامی آنان فهرست شده است. کتاب «کارگردانان» توسط منیا اکبری به رشته نگارش درآمده است.

«فیلمخانه ملی ایران» عنوان دیگری از مجموعه کتاب‌های موزه سینمای ایران است که با همکاری بنیاد سینمایی فارابی در سال ۱۳۸۲ منتشر شده است.

گروه تحقیق و پژوهش موزه سینمای ایران، برای تدوین این کتاب از مجموعه گزارش‌های سالانه اداری، گفت‌وگوهای و گزاف‌های مکتوب و شفاهی با مسؤولان فیلم‌خانه ایران، پاره‌ای آمارهای منتشر شده از سوی دفتر طرح و برنامه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و... استفاده کرده است.

کتاب «بازبرگان» توسط محمدرضا پاکلی به رشته نگارش درآمده است. با توجه به طیف وسیع بازبرگان در عرصه سینما و تلویزیون، کتاب پیش رو به بازبرگان پس از انقلاب توجه کرده است. این کتاب در سال ۱۳۸۲ توسط موزه سینما با همکاری بنیاد سینمایی فارابی منتشر شده است.

سینمای جنگ و دفاع مقدس عنوان کتابی است به قلم سعید فراسنی. در این کتاب گزیده فیلم‌های سینمایی، کوتاه و مستند دفاع مقدس درج گردید و علاوه بر آن به چهره‌های شاخص از جمله کارگردانان، تهیه‌کنندگان، بازیگران، آهنگسازان و عرصه سینمای دفاع مقدس توجه شده است. همچنین فهرست مقالات، نقد و کتاب‌شناسی هم در میان آن ذکر شده است.

«چهره‌پردازی، فیلمنامه، صدا، دوبله، جلوه‌های ویژه» عنوان کتاب دیگری است که توسط موزه سینما با همکاری بنیاد سینمایی فارابی در سال ۱۳۸۲ منتشر شده است.

همان‌گونه که از عنوان کتاب برمی‌آید، به کارنامه هنری هنرمندان این عرصه مهم سینما در این کتاب پرداخته می‌شود. این کتاب در سال ۱۳۸۲ به قلم محمدرضا پاکلی روانه بازار شده است.

فیلمبرداران، آهنگسازان، تدوین‌گران، عنوان کتاب دیگری است که به سه حرفه تخصصی سینمایی پرداد. علی‌رضا محمودی نویسنده کتاب کارنامه هنری فعالیت آن‌ها در عرصه تخصصی سینما از سال ۱۳۵۷ تا ۱۳۸۲ را معرفی می‌کند.

همچون پیش، بنیاد سینمایی فارابی در انتشار این کتاب با موزه سینمای ایران همکاری کرده است.

آثار موزه سینما

۲۵ سال سینمای ایران، ویدئو و رسانه تصویری (۱۳۸۷)؛ ۲۵

موزه سینمای ایران با هدف گردآوری اسناد، تصاویر، تجهیزات و هر آنچه که به سینما و تاریخ سینمای ایران تعلق دارد، فعالیت خود را از سال ۱۳۷۳ آغاز کرد.

هر چند در ابتدایین حرکت به کنای پیش می‌رفت و مقبول نظر بنیادین و گردانندگان آن نبود ولی بتدریج موزه با همت هنرمندان و حمایت‌های دولتی و غیردولتی شکل منسجمی به خود گرفت و در سال ۱۳۷۷ با حضور معاون رئیس جمهوری در جایگاه نخستین موزه واقع در کوچه پیرپای خیابان لاله زار نو گشایش یافت. در این مقطع نیز پویایی لازم را داشت. تا اینکه ساختمان موزه به باغ فرحس «عمارتی که در ابتدا به مرکز آموزش اسلامی فیلمسازی تعلق داشت» منتقل گردید. در تاریخ ۲۸ شهریور ۱۳۸۱ با حضور آقای خاتمی، رئیس جمهوری از افتتاح شد.

این موزه جدای از اینکه گنجینه گرانبایی از عکس، فیلمنامه، کتاب‌های قدیمی، اسناد و مدارک، فیلم و ویدئو، مطبوعات سینمایی، اسباب سینمایی گراف، لباس، لوازم و کوزو و کریم را در خود جای داده است، در مدت کوتاه فعالیتش کتاب‌های منتشر کرده که در واقع احیای بخشی از تاریخ سینمای ایران است.

ذکر این نکته مهم است که قرار بود در این گزارش به طور مفصل به تمام ابعاد فعالیت موزه سینما پرداخته شود که به دلیل شیب وقت فقط در حد معرفی کتاب‌های منتشر شده این موزه باقی ماند که البته در گزارش‌های آتی بدان پرداخته خواهد شد.



فیلمنامه «حاجی آقا آکتر» توسط آوانس او کاتیانس به رشته نگارش درآمد و برای نخستین بار در سال ۱۳۷۹ توسط موزه سینما و با همکاری بنیاد سینمایی فارابی به چاپ رسید. انتشار این فیلمنامه به مناسبت حساسی سینمای ایران (۱۳۷۹) انجام شد.

«حاجی آقا...» یکی از مهمترین فیلم‌های سینمای ایران محسوب می‌شود و تنها اثر از دوره صامت است که از کژند حوادث و گذر ایام جان سالم به در برده و هم‌اکنون نسخه‌های از آن در فیلمخانه ملی ایران نگاهداری می‌شود.

فیلمنامه بولوهوس توسط ایرامیر مرادی نوشته شده است. این اثر برای نخستین بار در یکصدسالگی سینمای ایران توسط موزه سینما، با همکاری بنیاد سینمایی فارابی چاپ شد و در اختیار عموم قرار گرفت. بنا بر شواهد تاریخ می‌توان از ایرامیر مرادی به عنوان نخستین فیلمساز سینمایی داستانی ایران نام برد. در این کتاب در کنار بولوهوس، سه فیلمنامه «انعام برادر» و «وظیفه» و «دقیقه بی‌وزن» سوم مرادی نیز درج شده است. فیلمنامه‌ها به دوره صامت سینمای ایران تعلق دارند.

فیلمنامه «دختر لر» توسط عبدالحمید سینتا نوشته شده است که برای نخستین بار در سال ۱۳۷۹ به مناسبت حساسی سینمای ایران توسط موزه سینما و با همکاری بنیاد سینمایی فارابی به چاپ رسید.

دوره فیلم سینما



شماره ۱۴
۲۲
۲۲ اردیبهشت ۱۳۸۲



گفت وگو با فرهاد توحیدی، فیلمنامه‌نویس

سینمای مکتوب ما



فرهاد توحیدی یکی از معدود فیلمنامه‌نویس‌های حرفه‌ای ماست. او فقط فیلمنامه می‌نویسد و حالا حالا هم نمی‌خواهد فیلم بسازد. فیلمنامه ده‌دههٔ اصلی است، چیزی که در سینمای ما کمتر سابقه دارد. فرهاد توحیدی جزو یکی از اعضای اصلی ستف فیلمنامه‌نویسان خانه سینماست. گفت‌وگوی ویژه در مورد کتاب‌های سینمایی و فیلمنامه با آثار آن در سینمای حرفه‌ای ایران، با این فیلمنامه‌نویس انجام شده است.

به نظر شما چاپ فیلمنامه‌های ساخته شده چه کمکی به سینمای ما می‌کند؟ اگر مقصود چاپ فیلمنامه‌های ایرانی ساخته شده است، اولاً می‌تواند برای علاقه‌مندان سینمایی برای مقایسه بین فیلمنامه نوشته شده و اثر ساخته شده به وجود آورد، چه بسا فیلمنامه‌های قابل توجهی که در جریان ساخت به اثری کم‌رنگ تبدیل شده باشند یا به عکس فیلمنامه‌هایی که اجرا به آنها قوت و تأثیر بیشتری بخشیده باشد. دوماً ثبت ادبیات سینمایی به عنوان منبعی قابل مطالعه و پیگیری برای بررسی‌تطور فیلمنامه‌نویسی می‌تواند مفید باشد. سوماً می‌تواند به مباحث نظری تازه‌ای دامن بزند که جز با ثبت و چاپ فیلمنامه شاید امکان آن کمتر به وجود آید. به هر حال دسترسی به اثر مکتوب برای پژوهشگران راحت‌تر و ميسرتر خواهد بود. کتاب‌های دربارهٔ فیلمنامه‌نویسی - فعلاً موجود - تا چه اندازه می‌تواند به فیلمنامه‌نویس‌ها کمک کند؟

مباحث تئوریک فیلمنامه‌نویسی در حدود یک دهه است که بسیار جدی گرفته شده و همه ساله عناوینی در این زمینه در ایران به چاپ می‌رسد. چاپ این آثار علاوه بر آثارنا معدودی جریان کرده و موجب رفع تشنگی موقت علاقه‌مندان جدی شده است و در عین حال طعنه‌های زیادی را برایش طرح مسائل عمیق تر فراهم کرده است. آنچه که تاکنون جدی گرفته شده نوشتن کتاب‌های تئوریک است که با مختصات فرهنگی سینمای ایران سنت نامایشی و سینمایی ایران تألیف شده باشد. تفاوت فیلمنامه نوشتن و نوشتن قصه کوتاه و رمان در چیست؟ تکنیک‌ها و ابزارهای نوشتن برای خلق فیلمنامه تفاوت‌هایی با تکنیک‌های قصه‌نویسی دارد. در سینما و فیلمنامه طبیعتاً نویسنده می‌باید آنچه را که در عالم قصه‌نویسی توصیف می‌شود، تصویر کند. معرفی شخصیت‌ها و شخصیت‌پردازی، شکل گفت‌وگو، داستان، جوهره ریتم در این دو ساخت نامیازنی دارد. در داستان نویسی و رمان نویسی رفتن به عالم ذهنی شخصیت‌ها با سهولت امکان‌پذیر است. درحالی که در فیلمنامه‌نویسی استفاده از این امکان توصیه نمی‌شود. در قصه‌نویسی و رمان‌نویسی کتس آدم‌ها می‌تواند کمتر مورد توجه باشد و افکار و ایده‌ها اهمیت بیشتری داشته باشند. درحالی که در فیلمنامه‌نویسی اصل پر کتس آدم‌هاست. کتس آنهاست که عقاید و افکارشان را برملا می‌کند. درنتیجه عمل نامایشی یا اکت اهمیت حیاتی دارد. در داستان نویسی یا رمان‌نویسی، نوشتن دیالوگ می‌تواند به ضرورت درجه دوم یا سوم بدل

بانک فیلمنامه بنقدر می‌تواند از سرعت‌های ادبی جلوگیری کند؟ و بنده و زندان می‌تواند از پرورش دزد جلوگیری کند؟ به هر حال به نظر می‌رسد وجود چنین تله‌های به امنیت خاطر مسافران اندیشه کمک می‌کند. همان قدر که ما شب یا خیال آسوده‌تری سر به بالین می‌گذاریم و این امید را داریم که گشت کلابتری مانع از دست‌درازی دزدان بشود. امنیت خلقی فیلمنامه‌نویسان را چگونه می‌بیند؟ فعلاً وضع چندان مطلوبی ندارد. یک میناق همگانی برای احترام سندیگایی کاملاً جدی نشود. یک میناق همگانی برای احترام گذاشتن به حریم تخصص‌ها و حرفه‌ها بسته نشود. فیلمنامه‌نویس‌ها احساس ناامنی می‌کنند. همچنان که بازرگان قدیمی از ورود افراد غیرحرفه‌ای به محدوده کاری خود احساس ناامنی می‌کنند.

آیا فیلمنامه در ایران می‌تواند گروهی نوشته شود؟ من عقیده دارم خیلی هم نباید ضعف‌های عوامان را در بوف بکنیم. این که دائم تکرار کنیم ما ایرانی‌ها در کارهای گروهی، ورزش‌های گروهی و... از کار انفرادی عقب‌تریم، این گزاره خودبه‌خود عاملی منفی برای رشد و پیشرفت تبدیل می‌شود.



در ایران فیلمنامه گروهی نوشته شده و نوشته می‌شود. کافی است نگاه‌ی به تیزر فیلم‌هایمان ببینیم. تفاوت فیلم‌نویس و فیلمنامه در چه چیزهایی است؟ گاه ممکن فیلم‌نویس یک چهره‌های مثل ترجمه است. گاه ممکن است به دلیل آن که کس دیگری غیر از فیلمنامه‌نویس توضیح مسخره و تصویب می‌دهد. فیلمنامه‌نویس بهتر است به هر حال یک جورری مثل گزارش یک بازی زنده است که عنصری غیر از آفرینندگان اصلی دارند. کاری را که آنها می‌کنند چوری ثبت می‌کنند و این چوری ثبت کردن ممکن است باسابقه آفریننده اصلی تفاوت‌هایی داشته باشد.

شود، در حالی که در فیلمنامه نویسی، دیالوگ از ارکان نوشتن محسوب می‌شود. درمقایسه به گمان من نوشتن فیلمنامه کار بسیار دشوارتری است. زیرا شما می‌بایست در جریان زندگی آدم‌ها را، افکارشان را و تأثیرات ایده‌ها را منتقل کنید و چون عملاً و ماهیتاً هر چیزی به نشانه‌ای از زندگی مربوط می‌شود، کار دشوارتری برای متقاعد کردن مخاطب بر عهده دارید. مخاطبی که با تجربیات دست اول زندگی هر لحظه در کار نقد جهان داستانی شماس.

آیا نوشتن فیلمنامه عملی علاقه‌ها است یا کاری تکنیکی؟ در تاریخ سینما فیلمنامه‌های اخلاقانه کم نیستند. شاهکارهای سینمایی متکی بر فیلمنامه‌های اخلاقانه هستند. چه کسی می‌تواند ادعا کند که فیلمنامه دزد و چرخه اثری صرفاً تکنیکی است یا جاده‌هایی چه کم از یک قصه موروثی دارد. آیا فیلمنامه دیگری آن نوشته آخاندرو آهانبار یا فیلمنامه دالان سبز (از داستان‌های اسفند کینگ چه کم دارد؟) یا این همه در کنار آثار اخلاقانه‌ای که در زمینه فیلمنامه وجود دارد. هر ساله هزارها فیلمنامه نوشته می‌شود که تنها از وجه تکنیکی قابل مطالعه و اعتنا هستند و هرگز ادعایی هم ندارند که بخوانند. راهی بر معبد هنر پیدا کنند. همچنان که همه رمان‌ها و داستان‌های بلند و کوتاه آثاری اخلاقانه و ماندنی نیستند. در مورد وضعیت فیلمنامه‌نویس‌های حرفه‌ای و...

اکتور بیش از یک دهه است که فیلمنامه به موضوعی کاملاً جدی در سینمای ایران تبدیل شده و طبیعتاً متناسب با همین روند جایگاه فیلمنامه‌نویسان حرفه‌ای هم تبیین شده و هم در حال تثبیت است. به اعتقاد من نسل جوان فیلمنامه‌نویسان ایرانی در حال پالیدن هستند. آنها منظره کار تخصصی را در سینمای ایران در طول یک دهه آینده دگرگون می‌کنند. وقوف تکنیکی، غنای دانش سینمایی، توجوی و تآوری و اعتقاد عمیق به کار تخصصی پشتوانه این جریان است که می‌تواند آینده فیلمنامه‌نویسی حرفه‌ای را در ایران تضمین کند.

آیا امسال کتابی از دکتر کاووسی منتشر می‌شود؟

دکتر هوشنگ کاووسی در دهه سی‌ای که از فرنگ به ایران بازمی‌گردد، نقدنویسی را در نشریه فرهنگ و آگاهی می‌کند. ایشان از همان ابتدا نظریات خاصی نسبت به سینمای ایران ارائه دادند که تا به امروز در آثارش می‌توان مشاهده آن‌ها را مشاهده کرد. دکتر کاووسی حتی در مجله هنر و سینما نوع سینمایی که بدان «فیلمسازی» اطلاق می‌کرد، را مورد حمله قرار داد.

امروز همچنان پس از گذشت نین دهه در امر نقدنویسی او مقاله‌نویسی چنین نگاهی را دنبال می‌کند و در نشریات ماهنامه فیلم و اخبار به تبیین نظرات خود می‌پردازد. تعداد نقد و مقالات او از شمارش خارج است و با توجه به این امر توقع بر این است که دست کم کتاب مقالات و نقد‌های ایشان در حیطه سینما منتشر شود. ولی متأسفانه تا به امروز چنین اتفاقی نیفتاده است. این اشکالی است که نویسنده‌گان و منتقدان کمتر از او، انواع و اقسام کتاب‌های گفت‌وگو و مقالات را با رها به مرحله چاپ رسانده‌اند.



شماره ۲۲
ارمیشیت ۱۳۸۲

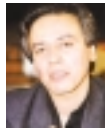
کتاب سینما

۱۵

شماره ۲۲
ارمیشیت ۱۳۸۲



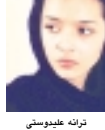
محمد علی ختاوون



سیروس الوند



زهرمان بازغی



زهرانه غلبودستی

مجید مظفری هیچکاک در قاب
مجید مظفری یکی از آن بازیگرانی که فرصت بازی کردن در فیلم بسیاری از کارگردان‌های صاحب سبک سینمای ایران را داشته است. خود او نیز جزو بازیگران موفق سینما است. مظفری، هیچکاک در قاب در این اواخر خواننده و درس‌های فراوانی از آن گرفته است. به نظرم بهرام بهشتی، نخلل کامل و جامعی در مورد هیچکاک می‌دهد.

تحلیل‌های او در مورد سینما و ادعا شده‌اش که مظفری خبثتی در صحنه مطبوعات سینمایی داشته نیست، او می‌گوید: «من هیچ‌وقت با روزنامه‌ها قهر کرده‌ام اما مجلات سینمایی را معمولاً چراغ افروزی می‌روند که فعلاً روی ایران هستند. آن‌ها بیشتر دنبال عکس و سایر مسائل تجاری هستند و مسائل فرهنگی را ندیده می‌گیرند»

بازیگر آنگ کتشی* کتاب‌های سینمایی و تئوری هم می‌خواند، مخصوصاً کتاب‌های ترجمه او. از اینکه بسیاری از اساتید بازیگری دیگر دست به قلم نمی‌برند، ناگفته می‌ماند. او می‌گوید: «چرا افرادی مثل حمید سمساریان در مورد بازیگری و تئوری‌های آن چیزی نمی‌نویسند؟»

ترانه غلبودستی جدیدترین کتاب‌های قصه کوتاه
ترانه غلبودستی خود آن دسته از بازیگران جوان، کاتاجران و اخلاقی سینمای هجاست. او مورد علاقه بازیگرانی است که با کلاس بازیگری و توانایی‌های فانی‌اش توانسته جایزانه‌های بین‌المللی خودش دست و پا کند. او بیشتر کتاب‌های مهم و داستان‌گفته‌ها و موجود در بازار را می‌خواند. اما این روزها به علت فرصت کمتر، داستان‌گفته‌ها را به زبان ترجمه می‌دهد. غلبودستی این روزها مجموعه قصه «فصله» و «هر وقت کارم داشتی تلفن کن» را از ژرمنه کاروز خوانده است و این کتاب‌ها شدت جلیبش کرده‌اند.

بازیگر شهرزبانم از بین کتاب‌های ایرانی نود و نه تا صبح بخیرم، نوشته جعفر مدرس صادقی را خوانده و دوستش داری و از کتاب‌های چراغ‌ها را می‌خواند. می‌گوید: «روزها در همان جایگاه‌ها و اجنبی دیگران را نیز دوست دارم و به دیگران پیشنهاد می‌کنم»

ترانه غلبودستی فرصت کمی برای خواندن مجله‌ها و روزنامه پیدا می‌کند. اما تا آنجایی که ممکن باشد در مورد بازیگری کتاب می‌خواند.

سیروس الوند بیار هستی

سیروس الوند جزو کارگردان‌های با سابقه سینماست. او این

و باز دنیای شخصی



اواخر، با اینکه فرصت کمی برای کتاب خواندن دارد، اما کتاب‌های میلان کوئندرا را خوانده و آنها را دوست دارد. «در این میان جهالت و بازر هستی، بیشتر مرا به خود جذب کرده است.»

کارگردان مرستگاری در ۸۰۰ کلمه هم تلاش یک می‌زند و رمان‌هایی را قبلاً خوانده بود، دوباره می‌خواند. «مان و شراب نوشته سلوونه جزو همین کتاب‌هاست که اولند آن را دوباره خوانده و از ترجمه خوب محبت قاضی لذت برده است.»

سپهراس اولند با وجود مشغله زیاد، هرگز دنیای مطبوعات را فراموش نمی‌کند و تمام نشیانات سینمایی را می‌خواند. «به حال لپها هم جزئی از کار من هستند و کار عملی نباید باعث شود از مطبوعات فاصله بگیرم.» کارگردان برگ برنده «مخصوصاً مطالبی را که در مورد او نوشته می‌شود، با دقت می‌خواند.»

پرویش نظریه چراغ‌ها را می‌خواند
پرویش نظریه از آنهایی است که با کتاب‌های قدیمی بیشتر کتف می‌کند و کتاب‌های جدید، کمتر جلیبش می‌کند. شاید ترجمه‌ها خوب نیستند و شاید نوشته‌های جدید به خوبی قبلی‌ها نیستند. او این اواخر دکتر اکستر آنجلا را خوانده که به نظرش ترجمه خوبی نبوده و «اعتاد می‌کنم که به خوبی این‌ها را از من بخوانی» می‌گوید. «تو ده ساله توغیع ما را بالا بردی و مخاطب دیگری کار معمولی را از ایشان نمی‌پایزده. بازیگر «دولت» از بین کتاب‌هایی که قبلاً خوانده، «بوف کوره» «جنایت و مکافات»، «عشق سال‌های وراه» «کوری» و نوشته‌های بروخس را دوست دارد. همچنین او به جز مجله «اکسپ» که خیلی آن را دوست دارد، مجله «فیلم» هم می‌خواند و آن آنجا که به دکتر اسپروین علاقه دارد به مجله «ایران آفتاب» هم نگاه می‌اندازد و گاهی هم «ایران» و «همشهری» را ورق می‌زند.

عزیزالله حمیدنژاد، کیمیایر و بانو بولوبلیو
عزیزالله حمیدنژاد که سال گذشته با فیلم «کیم سرمد» خود را مطرح کرده، در گذشته کمتر رمان می‌خوانده است. اما این اواخر رمان کاتلین ورتنه سمیرودولت آندری را خوانده و آن لذت برده است. او همچنین خواننده ثابت آثار پائولو کولیلو است و می‌گوید: «به غیر از کیمیای که به نظرم جالب‌ترین رمان نوشته‌ها می‌خوانم، همه نوشته‌های کارگردان آنگ سرمد کتاب‌های سینمایی هم می‌خواند به طوری که کتاب فیلم به عنوان هنر یکی از تأثیرگذارترین کتاب‌های طول زندگی‌اش بوده است. او کتاب‌های به هر جامی روزه پاک احمدی را

نیز خیلی دوست دارد و از آن چیزهای زیادی آموخته است.

کارگردان «هور در آتش» همچنین علاقه خاصی به نوشته‌های آنتو و کتاب‌های ژول ورنه را دارد.

زهرمان بازغی کشتنه و پند
زهرمان بازغی این روزها کمتر فرصت می‌کند کتاب بخواند. اما کتاب‌هایی هست که هنوز آنها را می‌خواند و دوستشان دارد. کتاب «بهرام بهشتی جزو این کتاب‌هاست، مخصوصاً چهار صندوق»

زهرمان بازغی که دوست دارد در یکی از فیلم‌های بهرام بهشتی بازی می‌کند، علاوه بر این «جنایت و مکافات»، «ایران کارا و بوف» و «زان و کتشف» را هم خیلی دوست دارد.

بازغی کتاب‌های تخصصی رشته خواندن را با علاقه دنبال می‌کند. «کتاب‌های بازیگری، نوشته استلا اولر یکی از کتاب‌های عملی این بازیگر جوان سینماست. او از کتاب «ظنون بازیگری» فرید اشترا و هم بهرمان بهرمان است و هر چند نوشته‌های کتاب «زنان بدان راه» یاد نمی‌آورده این کتاب هم بر او تاثیر زیادی داشته است.

زهرمان بازغی هم هر روز صبح و فکاهی روزنامه‌ها را ورق می‌زند و حال و هوای صفحه‌های سیاسی را به ویج و بیج ندارد.

محمدعلی ختاوون: نودخت آنجیر معابد
کتاب‌های متعددی را برای مطالعه در دست داریم. از جمله کتاب اشعار فرخ فرخزاد را دوباره خوانی کرده‌ام. کتاب «درخت آنجیر معابد» احمد محمود کتاب بسیار خوانی و جالبی است. «فلسفه نیای» زنده یاد شاعر محسوب از دیگر کتاب‌های مورد علاقه‌ام می‌باشد که اخیراً خوانده‌ام»

در این میان لوئیس جیمز «تاریخ آیین‌های کهن آصفهان» را دوست دارم که توسط استاد دکتر محمد مهرپور نوشته شده. دکتر مهرپور از معلمان بنده در دوره دبیرستان بود و کتاب ایشان برایم نحوه نامگذاری آیین‌های کهن آصفهان است که تماماً براساس اصول انتخاب می‌شود که نظرم کتاب بسیار جالبی بود. همین طوری دیگر از کتاب «فریب قره» احسان ترافی سود پرده و همین طوری از کتاب «مقد و برسی» نوسنتاد ایرانه، که توسط آقای سیامک و کیتی نوشته شده است.

اخیراً هم ختم کیمان افراسد دارند کتاب خاطرات زندگی بنده دوست دارم که توسط استاد دکتر محمد مهرپور نوشته شده. دکتر مهرپور از معلمان بنده در دوره دبیرستان بود و کتاب ایشان برایم نحوه نامگذاری آیین‌های کهن آصفهان است که تماماً براساس اصول انتخاب می‌شود که نظرم کتاب بسیار جالبی بود. همین طوری دیگر از کتاب «فریب قره» احسان ترافی سود پرده و همین طوری از کتاب «مقد و برسی» نوسنتاد ایرانه، که توسط آقای سیامک و کیتی نوشته شده است.

اخیراً هم ختم کیمان افراسد دارند کتاب خاطرات زندگی بنده دوست دارم که توسط استاد دکتر محمد مهرپور نوشته شده. دکتر مهرپور از معلمان بنده در دوره دبیرستان بود و کتاب ایشان برایم نحوه نامگذاری آیین‌های کهن آصفهان است که تماماً براساس اصول انتخاب می‌شود که نظرم کتاب بسیار جالبی بود. همین طوری دیگر از کتاب «فریب قره» احسان ترافی سود پرده و همین طوری از کتاب «مقد و برسی» نوسنتاد ایرانه، که توسط آقای سیامک و کیتی نوشته شده است.

اخیراً هم ختم کیمان افراسد دارند کتاب خاطرات زندگی بنده دوست دارم که توسط استاد دکتر محمد مهرپور نوشته شده. دکتر مهرپور از معلمان بنده در دوره دبیرستان بود و کتاب ایشان برایم نحوه نامگذاری آیین‌های کهن آصفهان است که تماماً براساس اصول انتخاب می‌شود که نظرم کتاب بسیار جالبی بود. همین طوری دیگر از کتاب «فریب قره» احسان ترافی سود پرده و همین طوری از کتاب «مقد و برسی» نوسنتاد ایرانه، که توسط آقای سیامک و کیتی نوشته شده است.

اخیراً هم ختم کیمان افراسد دارند کتاب خاطرات زندگی بنده دوست دارم که توسط استاد دکتر محمد مهرپور نوشته شده. دکتر مهرپور از معلمان بنده در دوره دبیرستان بود و کتاب ایشان برایم نحوه نامگذاری آیین‌های کهن آصفهان است که تماماً براساس اصول انتخاب می‌شود که نظرم کتاب بسیار جالبی بود. همین طوری دیگر از کتاب «فریب قره» احسان ترافی سود پرده و همین طوری از کتاب «مقد و برسی» نوسنتاد ایرانه، که توسط آقای سیامک و کیتی نوشته شده است.

اخیراً هم ختم کیمان افراسد دارند کتاب خاطرات زندگی بنده دوست دارم که توسط استاد دکتر محمد مهرپور نوشته شده. دکتر مهرپور از معلمان بنده در دوره دبیرستان بود و کتاب ایشان برایم نحوه نامگذاری آیین‌های کهن آصفهان است که تماماً براساس اصول انتخاب می‌شود که نظرم کتاب بسیار جالبی بود. همین طوری دیگر از کتاب «فریب قره» احسان ترافی سود پرده و همین طوری از کتاب «مقد و برسی» نوسنتاد ایرانه، که توسط آقای سیامک و کیتی نوشته شده است.

سینما و خاطرات یک سینماگر

فراتر برش» بچه هالیوود و بچه سینماست. سال تولد او فاصله چندانی با تولد سینما ندارد. او از همان سال‌های اول زندگی‌اش با هنر مشغول به حضور بود و تا لحظه آخری که زندگی کرد، کار به غیر سینما و سینماگری نداشت. بچه هالیوود کتابی است به قلم خود داریت پریش در مورد خودش و خاطراتش.

او از لحظه اولی که وارد هالیوود و سینما شده را شرح داده است و بسیاری از شکرده‌های ورود به دنیای فیلمسازی را برای مخاطب باز کرده است. به طرز کلی بچه هالیوود می‌تواند کتابی اساسی و مهم برای جوانانی باشد که می‌خواهند وارد دنیای رشته‌های سینمایی شوند. حتی می‌توان از این هم یاد گرفت نهاد و بچه هالیوود را کتابی دانست برای همه، همه کسانی که می‌خواهند یکی از رشته‌های هنری، رسانه‌ای و یا فنی شوند.

یکی از شیوه‌های واریت پریش که احتمالاً بازی‌اش را در فیلم «سرسرچده» ساخته جلیبش دیده‌اند این است که هرگز به کسی ندهد. می‌گوید او در یکی از خاطراتش از کارگردان، «سراج» او و چند نفر دیگر از بچه‌های هالیوود می‌آید و می‌پرسد که چه کسی «اسکت» بلد است. بیشتر بچه‌های بازی را بلد نبودند. اما همه هم جواب مثبت دادند. آنها فرصت داشتند که به مدت دو هفته «اسکت» تمرین کنند. این شیوه‌ای است که فراتر پریش پیشنهاد می‌کند. «همیشه آماده کارباش و به هیچ کس نگویند»

بچه هالیوود پر است از توصیه‌های این طوری ریز و جزئی که نمی‌توان هیچ جایی آنها را پیدا کرد. او علاوه بر آن تجربه بازیگری‌اش به با بسیاری از کارگردانان بزرگ سینما می‌گوید، تجربه‌هایش را به عنوان یک تدوینگر، یک کارگردان و... نیز با ما در میان می‌گذارد. مترجم بچه هالیوود پرویز دویی است که از باسابقه‌های نقد، تألیف و ترجمه سینمای ایران است.



از مجموعه «ادبیات داستانی» منتشر شدهٔ سازمان چاپ و انتشارات

سازمان چاپ و انتشارات
تلفن: ۰۲۱-۸۸۰۰۰۰۰۰
WWW.FPPIR.COM

- اسکندر اند جلد۱
- نماه بانگاران
- کتابین منق و دبیر حج

برگردار: دکتر سید محمد علی حسینی
مطبع: سازمان چاپ و انتشارات
تلفن: ۰۲۱-۸۸۰۰۰۰۰۰
مطبع: سازمان چاپ و انتشارات
تلفن: ۰۲۱-۸۸۰۰۰۰۰۰
مطبع: سازمان چاپ و انتشارات
تلفن: ۰۲۱-۸۸۰۰۰۰۰۰